

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم، شماره اول دی ماه ۱۳۶۷

به جلادان فرصت ندهیم!

جریان تکانه دهنده و نفرت بارنا بوده دست جمعی زندانیان سیاسی که از شهریور ماه در زندانهای سراسر کشور آغاز شده چنان ادا مه داره، علی رغم موج اعترافات بین المللی، که فشار قابل ملاحظه ای بر رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی وارد ساخت، "برنا مه با کما زی" قطع نشده است، خبر تجدید محاکمه و تمغیه ۱۰۰۰ نفر دیگر از زندانیان تهران تازه - ترین خبر پس از کشتارهای ماههای گذشته است. عسلاوه برای برخی از احزاب اپوزیسیون دربار برنا مه در دست اجرای اعدام زنان زندانی خبر میدهند و موارد دیگران که ای از اجرای حکم اعدام مدرسه آذر که بی تا زگی به خارج در ز کرده است همه گواه بر آنست که اعدامها قطع نشده و داس مرگ هنوز هزاران نفر دیگر از شقایقهای محبوس را تهدید میکند. این وضعیت اضطراری حکم میکند که مبارزات افشاگرانه و سازماندهی اعتراضات افکار عمومی بین المللی با یدبی وقفه ادامه یابد. بزرگترین خطر در شرایط کنونی این است که فاجعه کشتار در صفحه ۱۱



بمناسبت یازدهم دی روز شهدای سازمان

نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می گسترده
آنکه نهال نازک دستانش از عشق
خداست و پیش عصیانش
بالای جهنم پست است.

با اندوه و نجبران می گریستند، در رویاهای شاد می شکفتند، نگاه به عروفت ما در راه جستجوی برکت می کاویدند، به دروا در آغوش می گرفتند. همه غمهای بشریت را می آزمودند، در لبخند کودکش با صبحگاه بیداری می خندیدند، زیستن را و نغمه گرم حیات را با بس میدادند و در شکرانه آن، از لبخند توده تا جلوه خورشید، از زیبایی ترا نه تا دلبری روز، از طعم فربا دتا شکوه پیکار، معجزتی می یافتند. در صفحه ۳

در صفحه ۱۰

سنون آزاد

در پاسخ به مقاله خا نواده و ازدواج

در صفحه ۸

به بهانه:

(سینما در جنبه نبوغ فقها)

مصاحبه با

دوتن از رهبران "میر" شیلی

در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی

بمناسبت روز شهدای سازمان

در صفحه ۶

کراچی:

اعتراض علیه یورش مسلحانه

مزدوران رژیم

خانه از پای بست ویران است

از آنجائی که فقها به برگهای مورد آزمایشت خود امید ندارند، مستسکهای دیگری می جویند. نخست در مورد قانون اساسی برخورد را از "مواهب دمکراسی" یادگفت اگر این کا غذا ره، تضمین کننده آزادی، و تفکر سنگی فقها عاشق دمکراسی است، پس، هیچ آفتابی دلیل آفتاب نیست! در صفحه ۲

رژیمی که از ادبخواهان را بی هیچ خمی بسز ابرو به داغ و درفش می سپرد، با ردیگر به آزادی - خواهی نظر هر میکند، سعی فقها حتی بر این است که از ادبخواهی را در ذات رژیم نکبت بارشان معرفی کنند. دستهای اخیر این جلادان بی آرم بویژه شهوع آور است.

تصفیه خونین در زندانها ادامه دارد

خونخوار دست به خودکشی زده اند، بسا بر خبر رسیده از ایران، این زنان قهرمان از طریق حلق آویز کردن و یا زدن رگ دستان خود مرگ دلاورانه را پذیرا گشته اند تا راه جلادان تبهکار را در اوپسین لحظات زندگی خود به ریشخند گیرند.

این خبرها در کتار اخبار پراکنده اجزای اعدامهای تازه در ماه آذر نشان میدهد موج اعدامهای دسته جمعی کماکان ادامه دارد و خطرا اعدام جان هزاران نفر دیگر از زندانیان سیاسی را تهدید می کند. ■

طبق آخرین اخباری که از زندانهای تهران بدست ما رسیده، جریان محاکمه مجدد و تمغیه خونین بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگر از زندانیان زندان اوین آغاز شده است که از آنها با مصاحبه تکلیف ۳۰ نفر روشن شده و این عده زیر تیغ جلادان بسرمیبرند. جلادان جمهوری اسلامی، نجات زندگی این ۳۰ نفر را مشروط به مصالحه تلویزیونی و اظهار رندامت آنها کرده اند که با پاسخ منفی این قهرمانان روسس و شده اند، در ضمن سه تن از زنان زندانی در زندان اوین بخاطر اعتراض به اعمال فشارهای ضد انسانی رژیم

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

خانه از پای بست ویران است

ولی هما نظور که فوقاً اشاره شد. و با استناد به تاریخ جنبشهای مذهبی - وجه مشترک همه ما حبان و مدافعین "مالکیت مقدس" زمینه اصلی حل اختلاف آنها را فراهم میسازد.

مگر در طول تاریخ، با خام، کشیش و ملا، در نقاشی و اغظین برای ما حبان مالکیت و مزدگیر آنها نبوده اند؟

در شرایط امروز ایران نیز، چنین شیوه حل اختلاف و برابری امکا کها بعید نیست، این واقعیت توضیح دهنده چنین احتمالی است که در جامعه مبتنی بر مالکیت خصوصی، بیکارهای آشتی-نا پذیر همواره جریان خواهند داشت. و بحرانهای پدید آمده در جای خودتیا زمندتدا بپزند، و تدا بپیر همه استعمارگران جز نیرنگ و سرکوب و یا بقسول مفسرین غربی - پراگماتیسیم نیست. پراگماتیسیمی که خمینی بحران زده و بناچار تندبیرا ندیش، برر اساس آن، قطعاً مه "حرام" ۵۹۸ سال زمان مسلسل و آلات "حرام" موسیقی را یک شبه "جلال" میکنند و بعید نیست که در صورت لزوم با مکره اعلام داشتن نماز و روزه، یکبار دیگر آبرویش را با خدا به معامله بگذارد!

از این رومی توان احتمال داد که همپای رژیم اقتصادی موجود، فقها در رژیم سیاسی نیز، بسا تعدیلاتی - در زمینه لایحه احزاب، سیستم انتخاباتی و قانون گذاری و... بطوریکه، اراده کاست حکومتی را بنفع "مدیران" لیبیرال و نظارت ضعیف ترا زد با سرمایه داری مدرن مصالحه کنند.

نمی توان مدعی بود که این سیر بدون شش - های شدید در درون حاکمیت همراه با شدویا حشسی ترین موفقیت گردد، زیرا سرمایه داری جهانی و محلی، آلترنا تیوهای لایق تری برای حکومت دارد که از شانس حاکمین فعلی میکاهد...

مطلب بعدی در این است که آیا رژیم جمهوری اسلامی به فرض پذیرش تمامی الزامات و مظلومات سرمایه داری، قادر به "اعطاء" آزادیهای ناخواسته و اعمال یک رژیم سیاسی برپایه دموکراسی بورژوازی هست؟

تجربه شاه در ایران و همه کشورهای سرمایه داری وابسته، دو واقعیت را به منصفه ظهور می گذارد: نخست اینکه در عصر پراشوب کنونی - که نتیجه بیکارها و بیبروزیهای لاینقطع زحمتکشان جهان است - انجما سیاسی و دیکتاتور خشن قادر به خفه کردن ندای مبارزه نیست. پهلوی ها، ضیاالحق ها، اورن ها، دیکتاتورهای نظامی در آمریکای لاتین، بیوزده در این آزمون سرفاکنده ترا زبقیه بیرون آمدند.

"راه حل" دوم به این نکته تکیه دارد که جامعه سرمایه داری بنا به گستردگی و فراگیری همه پایه های آن، لاجرم بنا بر مذهب "گشایش" است تا بغضهای متراکم مردمی که هر یک بنوعی با زندگی سیاسی و اجتماعی - حتی در دوره افتاده ترین روستاها - پیوسته خورده اند، منفرج نشود. این شیوه در حلقهات ضعیف سرمایه داری که بیس عقب ترا ز کشورهاست

آقایان هستند - از حق فعالیت برخوردار خواهند شد. آخوندها پاسخ نمی دهند که "شرع انور" شان به چه دلیل، حزب جمهوری اسلامی را از صحنه دگ کرد. اما در با احزاب ما شینی مورد نظر ایشان، لازم است بنیبه زگوش خود در آورند و بداند که احزاب طبقه ای برخاسته از قشر بندی جامعه اند که بی تجویز آخوندها پدید می آیند، یا با آن می سازند و یا تیشه تاریخی را بر بنیادش فرود می آورند و بی اندک نیازی به "هوا" می مسموم عطا می آقا یان، به تنفس اگر چه خونین و پرفر خود - ادا می دهند.

سومین حرف آخوندها، "اعتماد" به "حیبل" جنگ است و چه تما شائی است وقتی به حکم "قانون مقدس" خود آنرا توجیه میکنند، صرف نظر از واقعیت قانون و برپایه نحوه استدلال جانیان نیز می - توان دم خروس را از لای عبا ی بلند ملایان دید. طوری دروغ می گویند که کوئی نظام آزادی کشش فقا هتی در زمان جنگ به میان آمد و نه از اولیسن روزی که خمینی این عبارت را همچون "آیه منزل" بر زبان آورد: "جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر". طبق این اراجیف، بر هر عقیده و مرامی و طبقا بر هر شخص و گروه مغا بر مخالفی، تیغ "اسلام ناب محمدی" ایشان مباح است. نکته دوم در قانون پرستی رئیس جمهور اسلامی، فراموشی این امر است که نمی گویند در صورت "صحت" ادعای او، بر طبق کدام قانون، حکم و فرمانی، شرایط زمان جنگ مانع اجراء مثلا "قانون احزاب" شد؟

قبل از بیان هر چیزی باید گفت که رژیم فقها، سخت مایل است به شیوه ای که برگزیده، یعنی مطابق "ارزشهای فرهنگی و ایدئولوژیک خود حکومت کند و با همین تمایل میخواد که جهان را با عنوان یک "واقعیت انکارنا پذیر" بر سمیت بشناسد. از اینرو گرایش به مشروطه خواهی بجای مشروطه خواهی فقط در حکم تاکتیکیهای موقتی است. ولی بحران موجود و واقعیتهای جهان موجود به رژیم آنها شده که به "اقتضا" روز تصمیم دیگری هم بگیرد. ادامه بحث ما اشاره به همین موضوع است.

علیرغم تمام دست اندازهای جمهوری اسلامی در راه سرمایه داری قرن بیستم، باید در نظر داشت که و نیز چون سایر مدافعین سرمایه، از "قدسیت مالکیت خصوصی" دفاع میکند. نظام اقتصاد میبتنی بر تولید سرمایه داری و سودهای افسانهای و تمام خصوصی ناشی از آن، با ب طبع اوست. تنها تما یزر رژیم فقها هتی با سلطنتی - جمهوری سرمایه، در حرکت لاک پشتی و "اعمال زیانبار" برای نظام سرمایه داری است که نه مطابق میل سرمایه جانی و نه داخلی است. این امر خود زائیده "ارزشهای فرهنگی" ایدئولوژیک دولت حاکم است که مرامنامه فرهنگی آن از "پیوند حوزه و دانشگاه" تشکیل شده است.

فقها به همان حدی که شیوه های مدرن شکنجه را با خونسردی می آموزند، در زمینه شناخت مقولات اولیه پیرامون آزادی، قانون و قانون اساسی، جاهل و عجولند. آنها را "بحث شیرین زنا و لواط"، و طرز رفت و برگشت به مول "آزادگوشه فکری که بسا عمر جدید سا زگار باشد، با زداشته است. از این جهت ما ناچاریم در همان خدمتتار و معمول، شکستی را به آنان گوشزد کنیم.

قبل از هر چیز اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی، حتی در چارچوب قوانین زیربست سرمایه - داری، قانون اساسی نیست، قانون دینی است، لذا بی قانونی است. جنایتکاران در کودنی خود محق اند که ندانند مفهوم آزادیها، حقوق اساسی و سیاسی بعد از زمانی که فاشودا لیسیم، همچون جامعه ای چرکین به دور انداخته شد، مطرح گشت. از این جهت افکار ما قبل فئودالیتها و ترا و شات دوران برده داری ایشان با هر چه مفاهیم حقوق و آزادیهای اساسی و سیاسی بیگانه است. اعمال کلاما بق قانون اساسی آقایان، از تعیین طرز لباس پوشیدن و ریش گذاشتن کارمندان گرفته تا دخالت در خصوصی ترین امور زندگی شهروندی و... از هر برهانی قاطع تر است. روحانیت از آغاز قرن، از مشروطه در مقابل مشروطه که محتوی آن قانون اساسی به معنی غیر آخوندی است، دفاع کرده است. خمینی و همسایه مدعیان "راستین و دروغین به حکومت دینی، بخوبی میداند که در کشوریکه قانون و احکام، بر خاسته از احکام دینی و تفاسیر "فقیه و رهبر منزه" قلمداد می - شود و سرتوشت کشور را "معا مله بی آبروئی و آبرو رهبر با خدا" تعیین می کند، بر راستی جای هیچگونه "چراها، بایدها و نبایدها" نیست. با این همه آیا این قانون اساسی دوره جاهلیت "فان آزادی خواهد بود؟!

در مورد التزام به قانون اساسی که برخی نیروهای اپوزیسیون، از جمله پورتونیستها، رفرمیستها و لیبرالها علاقه و فری به آن دارند - و در این تحمیق توده ای نقش موشی تا کنون بازی کرده اند - باید تکرار گفت که آویختن بسایریمان پوسیده را تجویز کرده اند. التزام به این ورق پاره حتی به روال فعالیت مرسوم سیاسی در غرب - خود به معنی نفی بی رمق ترین آزادیهاست. اگر قانون اساسی اسلامی اصولی را که مانع "اعطاء" آزادی و حقوق دموکراتیک است، حذف کنیم، فقط جلد آن باقی خواهد ماند. گفتنی است که این قانون در جای خود، بیبا نگرما هیت رژیم جمهوری اسلامی است و حذف آن، جز بمعنای حذف جمهوری نکبت با رفقا نخواهد بود.

نکته دوم، نسخه های حزب سازی آخوندها است. محتشمی وزیر کشور میگوید حزابی که به قانون اساسی گردن نهند، نظام را بپذیرند، مسلمان باشند، ملحد و مشرک نباشند - یعنی همان باشند که

بمناسبت یازدهم دی روز شهدای سازمان

ازگزیده غزلیات شمس
بها هتما م شفيعی کدکنی

مرا عاشق چنان با پدکده هرباری که برخیزد
قیامت های پرآتش زهرسوئی برانگیزد
دلی خواهیم چون دوزخ که دوزخ را فروسوزد
دو صد دریا بشورا شد، ز موج بحر نگر بیزد
فلکها را چون ندلی (*) به دست خویش در پیچد
چراغ لایزالی را چو قندیلی در آویزد
چو شیر سوی جنگ آید، دل او چون نهنگ آید
بجز خود هیچ نگذا ردویا خود نیز بستیزد
چو هفتصد برده دل را به نور خود بدراند
ز غرش این ندا آید: ((بنا میزد (**)) ، بنا میزد
چو او ز هفتمین دریا به کوه قاف رو آرد
از آن دریا چه، گوهرها کنا رخاک در ریزد .

(*) مندیله، دستار، دستمال .

(**) بنا میزد، ماشاء الله در زبان امروز .

اندوه گره گیسوان را بر آشوبید و زهرنگسای
شهدان، خنجر خونین سزید و در چشمای سرگ
نگر دشمن فرود آورید!
سردان، برادران!
شما که شاهان تا از ریزش استوانه های
حزن فروخمیده، نام بلند ایشان را بر تیغ
بشکارید تا شب بیدم در منظره تماشا بستان هر
چه متشنج تریا د!

کارگران، زحمتکشان! اشکها تا نخشکیده که دسته ای
دیگر از چلچله ها، از خاندان با کیزگی را به خون
درا فکندند، در زخمهای دستها تا بشگریا تا ببینید
آنچه آهن و عرق بر آن نگاه داشته، جز نام شهیدان
نیست، نام دلاوران رزم آزموده ای که برای خویش
جز خون خویشتن "نداشتند و برای شالکد مال ندگان،
آزادی و عدالت و شادکامی خواسته اند!
ورفیکان!

بگذا بر چرم بر چین و به تیغ دریده و خونین
که از شاه شهیدان بردستمان مانده، برافراشته
ترباد، زیرا از ایت پرفر کمونیم، هیچ دعوی و
درودی برتر نیست!

(۱) رفیق شهید علیرضا شکوهی

(۲) حیدرخان عمو و غلی

(۳) مهنا ز معنوی پرست

(۴) محسن دماوندی

(۵) نسرین بقاشی

سال ستیز و انفجار، در عصر نشست و نشست خون بر کرانه
اوین، روئید، از آشکوفه ای جز فریاد، جز نجا بست،
جز خدا و مسلحشوری بیارنشست، هراس را بر شاه
با دنا ندوا ز تماشای خونش "قامت انسان" را به
کارزار آورد، از آنگونه شده چشمها مان هر صبح بسی
یاد او هزاران کس از این سپاه سر بلند گشوده نگشته
است .

اینان راحتی با نام نیز نمی توان نامید،
در رثا بشان هر سردی به ستوه خواهد آمد، نه در دیر
واژه، نه در شاهان، بهترین رویاها مان، کلامی شایسته
برابری با اینان نیست . "محسن (۴)" از ایستان
است، در دهان او، روز به نغمه شود با زوان گلسرخ
از خاک بر حراجل شاهانایش رستن گرفت تا بر فرق
تیره، طالعمان فرود آید، بی هیچ نامی و نشانی از
میان "بودن و نبودن"، پرسش تا ریخرا، به "زیستن"
پاسخ گفت، و از آنرو که نمی خواست بمیرد، لب داغ
گلوه را بوسید .

"نسرین (۵)" زمان بی پنجه در پنجه حادش
افکند که نای و نان را از این تن خسته نشانی نماند،
اما از دهان این پریوا زپرتوانسانی، بوی نان و
عطرباران برمی خاست، رویایش هنوز دریا بود که
از مشایخت جوپهای بیشمار بازمی گشت .

در کلام این یاران، برکت معنای یافت وهمه
آبهای زلال جهان در کف دست می نمود:
آنان سگوتشان طغیان بود، و حماسه در بیست
پایشان، کعبه ای مقدس را می ستود .

از چه بگوئیم؟! از چه و تا چند بگوئیم، ما، که
چون ریشه ای با خاک، با ایشان پیوند خورده ایم!
ما که شراب شادمانی خلق را از عطرنگاههای
ساقیان سقا و تمند سرش را خواهم دید! با ما گریستن
است به مقیاس بر طویل ترین تنبش حیات که با یاد
آنان، و چون سوگندی برای تداوم مسیر، در جهان
و دلمان جا ریست .

اما دشمن؟ با این خم تیره دل چه تدبیری بود
که این همه مروارید رخشان را از کف توده رنج در
ربود؟

آیا ندانسته بودند که کشته های اینان،
ما هورهای فولادین در ساختن حماری، و ورشته کوهی
از شاهات خواهند شد؟ ای کوردلان، ای نام
تباهی فروشندگان! شما بزرگان بیع و شرا،
خون و جنایت را گریزی از تماشای هراس آل سود
این صف طویل، این رژه مقدس سربازان نام آور
زندگی نیست:

عباس تنکا بیتی، احمد شایب جو، عظیم جلالی،
حمید جلیلی، ارومیه، رضا حسین خاشی، رحمت خشکدین،
با یک دستک، محمدر استروان، طا هریای، نورالدین
ریا، حیا، ما دق ریگی، طاهره سید احمدی، سیروس
مرادی، شهره مدیر شانهچی، کوروش یکتا، لطیفه
نعیمی، جبرئیل هاشمی آذر، امیر منیژه، علیرضا
تشید، رحیم حسین پور و دسری، جعفر ریای، محمد
ریای، عطا معینی، حمید دینخواه...

زنان، دختران، خواهران!

بلندترین درختان بودند که دریای هرجوی
رسته بودند... از ته آوازی بزرگ ساختند، نخواستند
که "در شب و هن دق کنند" که آنگاه یورش "مدخنجر"
و تیرهای کین سفاکان بیکر آنان را برآشت .

هنگامی که اینان سرود آغاز میکردند، تنسدر،
کام گشوده را برمی بست، رودخانه ها در سکوت
حیرت از رفتن بازمی ماندند و سروهای بلند بسا
گردنهای خمیده می گریستند، چه که سروستانی سرخ
از تبا ر شهیدان بر خاک دادخواهی خلق رسته بود:

علی اصغر ابراهیم زاده، غلامحسین ابراهیم
زاده، عبدالکریم جیرانی، چنگیز احمدی، احمد
احمدی بوسجین، حبیب اله احمدی جندقی، وحید
اخلاقی، حسن اردین، خدیجه رفیع، هادی آزاد،
عبدالکریم آبرانی، وحید اعتراف، قاضی اعظمی،
محسن افشار بکشلو، عزت آقا پور، هادی اکبری ذکوة،
حسین الهی، یوسف آلیاری، محمد تقی امامانی، شمس
الدین امیرشاه کرمی، هادی امینیا، حسین امین
جعفری، سعید یازگان، شهلا لایخان پور، احمد
بالا زاده، فرهادبامیار، سیروس باوند، اسماعیل
بهرمان، جمال بهمن پور، مصطفی بیگلری، محمد
صادق بیتا، محبوبه پرچم کاشانی، بیحیی برکار...

اینان، با شاه با دگیسوی جنگل را می
آراستند و بوسه شان به گونه آسمان می رسید . بر
بلندای قتل می ایستادند، ما عقده را فرو می
بلعیدند تا کشتزاران سبز، همچنان رویان برجای
مانده باشند، و از کفتر میزترین حقیقت، آیتسی
مسلما خسته بودند، بی پروا پاکانی که هنگام
با نگاشتن، مردان همه قباثل شهادت و عاظفیه،
شیبورا را در هم می شکستند و درگاه تمامی خانه ها
به پیشوا نشان بر خاک می می کشیدند، نجیب ترین
زنان بودند که با چشمهای آفتاب می نگریستند و در
دیدگان نشان، مهربانی نیلگون خرمی خرا میسد،
دستها شان از خاک فلات و آب همه خلیج، حریری از
خون و مقامت می یافت .

با این مردان، توانی بود که حجم کراهت
عالم را در مشت می فشرد تا جا نخته کولی و نشان
حیات و رقصندگان شادمانی در گورخوشی نشکند،
تیرها را از قلب مردمان برمی گرفتند، حتی اگر
دوخم زهمان تیغ و سا طور، بر شاخسار تن و جان نشان
فرود می آورد .

از این یاران، "شکوهنده (۱)" یاد می شود .
مردی با شیارهای زخم و خون، بر پیشانی و تن کسه
قواره، زیبایی تاریخ بود: "بذر نام "حیدرخان (۲)"
از پیشانی او در ماههای تختیده، ترس و گریسز و
گمراهی، و خشم و تنفس پنهان گل داد، و آوازشاد
"ارانی" چون جوشی زلال از آن گذشت که زمانی در
سیمای متلاشی بیژن ماندگاری گشته بود .

"شکوهی" در سالی به شکفتن نشست که دشت را از
چهار سو، گرازان و سگان و ددان، قرقا که خویش
ساخته بودند، در پای می که آفتاب رنجور بود و زمانه ای که
پس از نشان ظلمت دیرین، با شیرونگرک، حتی
با نام نامی خداوند "بر قلمرو زندگان شوریدند .
"مهناز (۳)" فرشته وشی از این قوم بسود، در

قسمتهای از

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



سازمان کارگران انقلابی ایران

یا زدهم دی ماه، سالگردشهادت حماسی وقهرمانان رفیق علیرضا شکوهی، عضودفترسیاسی ودیپلماتیک سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) روزتجدیدپیمان راهکارگری هاست با همسنگران جانباخته وبسار رفیقان دربندخود، برای برداشتن سلاح وپیرچم آنان وپیگیری مبارزه در راه اهداف وآرمان های انقلابی آنان. یازدهم دی، سنتی است در سازمان ما، برای بزرگداشت یادهمه شهیدان راه آزادی وسوسیالیسم در ایران، و برای ابراز همبستگی با خانواده های شهدا وزندانان سیاسی.

امسال برگزاری یازدهم دی، باشومترین وسیاهترین ایام تاریخ زندان - های سیاسی در ایران مصداق است، ایامی که طرح بی باق و فاشیستی قتل عام زندانان سیاسی وحقی فراخوانی یادستگیری مجدد زندانان سیاسی آزادشده وتیرباران آنها به اجرا درآمده است.

حکومت اسلامی پس از شکست خود در جنگ ارتجاعی هشت ساله، داس مرگ خود را از جبهه های بسوی زندان های سیاسی چرخانده و درحالی که زمره باصطلاح "عفو عمومی" برزبان ها می اندازد، درحالی که از باصطلاح "آزادی احزاب و فعالیت های سیاسی" دم می زند، و درحالی که از امکان اعطاء اجازه بازدید از زندان های ایران به فرستادگان مجامع بین المللی سخن می گوید، در زندان - های سیاسی سراسر کشور، طرح کشتار دسته جمعی زندانان سیاسی و دفن دسته - جمعی آنها در گودال ها را با شتاب هرچه بیشتر به اجرا در می آورد، اعدا شدگان در جریان این طرح فاشیستی را با زداشتی های محکوم نشده وسالها بلام تکلیف، محکومینی که دوره محکومیت خود را می گذرانند، وآزاد شدگان از زندان تشکیل می دهند، یعنی کسانی که حتی برای محکومیت ساختگی آنان بیانه و اظهار کافری وجود نداشته وسالها بلام تکلیف مانده اند، یا کسانی که دوران محکومیت خود را می گذرانده اند - بی آنکه "جرم" تازه ای مرتکب شده باشند، و کسانی که بدلیل برائت یا پایان دوره محکومیت خود آزاد شده بودند. دژخیمان رژیم اسلامی، حتی زندانانی را که به این کشتار اعتراض نموده اند اعدا کرده اند! ابعدا این قتل عام هولناک که طرح زمان بندی شده آن در جلسه مشترک حکام شرع دادگاه های اسلامی تهیه شده و در نیمه مرداد ماه ۶۷ به امضای خمینی دژخیم رسیده است هنوز روشن نشده، اما گزارشات موثق نظیر اعدا ۲۲۵م زندانی در یک نوبت در زندان گوهر دشت تا دوم آبان ماه، ۴۰۰ نفر در زندان ارومیه و بیش از ۲۵۰ نفر در زندان رشت، در اصفهان ومسنی ۸۰ درصد اسرای قهرمان خلق، تنها در زندان لاهیجان بیش از ۶۰۰ نفر و

در کرمان کلیه مبارزان در بند، که تنها نمونه ها وموارد جسته وگریخته ای از این قتل عام پنهانی، منظم وسراسری را نشان می دهند، گواه بر آنند که تخمین تعداد قربانان این جنایت فاشیستی به بیش از پنج وحتمی ده هزار زندانی سیاسی، گزافه نیست. اعدا - حتی اعدای دسته جمعی - در زندان های رژیم اسلامی پدید آمده ای نیست. نزدیک ده سال است که مخالفین عقیدتی وسیاسی این رژیم در زیر شکنجه یا در پای چوبه های داروتیرباران کشته می شوند و شمار آنان سربه چندین ده هزار می زند. از داغ اعدا م ضربتی دهها هزار جوان زندانی در چند ماهه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ هنوز دود اذل مردم بلنداست، اما قتل عام اخیر از نسوع دیگری است. این کشتار، از نوع جنایت ساواک شاه است در اعدا م فداشی خلق، بیژن جزئی ومجاهد خلق مصطفی جوان خوشدل وهفت تن دیگر از یاران فداشی ومجاهدان در تپه های اوین. این جنایت از آن قماش است، اما به ۹ نفر محدود نیست، هزاران برابر گسترده تراست، یک قتل عام واقعی، و

از

لاغزل برای دلوران

سعید سلطان پور

کوهی،

که ایستاده کنار رسیده دم

برکا کلت هنوز نشسته ستاره ای

رودی،

که در هوای سحرگاه می تپی

پیوسته وشکسته، جوتئینه وارهای

چون رود، مهربان

مانند کوهسار شکیبائی

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

وقتی پرندگان سبک خیز آوازه ها

ارشاخه زیبا نتویروزمی کنند

وقتی که خنده های بیت، غوغای شورونور

در قلب شب گرفته این تنگنای سرد

رنگین گمان همهمه می بندد

و چشم های پاک تو

این چشمه های مهر

با شوق کودکانه می خندد

در قلب من

دست سحر،

زمان را

بیدار می کند

صبح وستاره، صخره و دریا ئی

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

اما

زیبا ترین کوهان

کوهان سنگرند

و رودهای خاطره انگیز

آوازه خوان بجای دریا، شناورند

توکوهسار مردان

انسان کوه

تورودیا رتوفان

انسان رود

اسطور طبیعت وانسان

آمیزه شکفت دودنیا ئی

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

●●●

کراچی: اعتراض علیه یورش مسلحانه مزدوران رژیم



شده پناهندگان ایرانی به محض ورود به محوطه UN خواها ن مذاکره با مقامات و همچنین اجازه ۴۸ ساعت تحصن و اعصاب غذا در درون ساختمان شدند. اما مقامات مسئول UN، عوض پاسخگویی به تقاضای حق طلبانه پناهندگان، تلفظی قرارگاه های پلیس را با خبر کردند.

نتیجه اینکه در ساعت ۲/۵۵ بعد از ظهر، پلیس یورش خویش را به داخل محوطه UN آغاز و با ضربات چوب، پناهندگان را به بیرون پرتاب کردند که باعث مضروب شدن چند تن از متحصنین گردید.

با خارج شدن پناهندگان متحصن، مسئول UN مزورانه فضای مذاکره کرد، که این بار توسط پناهندگان در حدود عرض متجاوزانه ۲۰هه پناهنده و آواره ایرانی شاعرهای کوبنده ای را سردا دند که عبارت بودند از: "UN، UN، فشاء کن، فشاء کن!" - مرگ بر خمینی - زندانی سیاسی آزاد با یکدیگر د - جنایت مزدوران محکوم است، محکوم است - امنیت، پذیرش، مهاجرت به خواست ملی ما است - امنیت پناهنده تضمین با یکدیگر د - و...

سرانجام ایرانیان پناهنده تصمیم می گیرند که پراکنده شوند (در ساعت ۳/۱۰ بعد از ظهر) و مبارزه خویش را بصورت افشاگریهای گسترده، تماس با خبرنگاران و مراجع بین المللی، ادامه دهند.

بدنبال حمله مسلحانه ایادی رژیم تروریست اسلامی، در ۵ دسامبر به پناهندگان ایرانی در کراچی، که منجر به شهادت یک تن و مجروح گشتن چهار تن دیگر شد، شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی "در کراچی تصمیم گرفت در اعتراض به این حمله، فاشیستی، و همچنین سهل انگاری و سکوت مقامات UNHCR کراچی، آکسیون را در جنب دفتر UN سازمان دهد.

"شورای پناهندگان... با همکاران" کمیته پناهندگان بلوچ "مصمم گردیدند که در روز ۷ دسامبر، اعتراض پناهندگان را در جلوی UN سازمان دهند. ابتدا حدود ۲۰ تن از پناهندگان ایرانی، وارد محوطه داخل UN شده و اعلام تحصن نمودند. هم زمان با این اقدام مسورا نه که در ساعت ۱۰/۴۵ صبح صورت گرفت، بقیه پناهندگان و آوارگان ایرانی، در خارج محوطه UN، با بلند کردن پلاکار و سردادن شعار، حرکت اعتراضی را شروع نمودند. مجموعه ایرانیانی که در این آکسیون شرکت داشتند، متجاوز از ۲۰۰ نفر بود، که در چند ماهه اخیر ما بقیه نداشتند است. این حدا تجمع در شرایطی حاصل آمد که به دلایل امنیتی شورا و کمیته از اعلام علنی و گسترده تاریخ برگزاری حرکت، اجتناب ورزیده بودند. در کنار برپایی این آکسیون، همچنین تصمیم گرفته

شب همبستگی
با زندانیان سیاسی در ایران

این مراسم که در تاریخ ۵ دسامبر پس از یکسری آکسیونها از جمله تظاهرات ۲۶ نوامبر انجام گرفت، با اعلام یک دقیقه سکوت بیا دوبه احترام مقامات و مقامات سیاسی زندانیان سیاسی، این مراسم از آن تاریخ آغاز شد، با برنامه های متنوعی از قبیل اجرای موسیقی اصیل ایرانی، سرود موسیقی کردی، نمایش فیلم و اسلاید، اجرای تئاتر، قرائت گزارش زندان، مقاله در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، بازیهای فکری و آلمانی و شعر خوانی ادامه یافت.

در این برنامه های هنرمندان تریبی بنام رفیق اتوالندیون اشعاری از برتولت برشت، ناظم حکمت شاعر و انقلابی شهید سعید سلطانی، همچنین یک خانم تریبی شعری از یک شاعر انقلابی کردیه زبان آلمانی برلیجا ضریح خواندند. در این برنامه بیش از ۲۵ نفر شرکت کرده بودند.

برگزار کنندگان را همپایانی و شب همبستگی عبارت بودند از:

- ۱ - شورای دفاع از خلقهای ایران - وین
- ۲ - سازمان دانشجویان ایرانی مقیم وین - هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شبخ خلقهای ایران)
- ۳ - هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی)
- ۴ - هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - وین
- ۵ - هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگز) - اتریش
- ۶ - کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش
- ۷ - سازمان دانشجویان ایرانی - وین - اتریش هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

زور یخ - سوئیس

اعتصاب غذا علیه کشتار زندانیان

کانون پناهندگان ایرانی در شهر زوریخ سوئیس در روزهای که اخبار جنایات رژیم اسلامی حاکی از قتل عام و کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی ایران بود، برای دفاع از جان انسان و رساندن خبر این وحشیگری ها به گوش جهان نگران فراخوانی را برای یک اعتصاب غذای سه روزه از تاریخ ۹ دسامبر برای پناهندگان و ایرانیان آزاده منتشر نموده و متن آنرا برای سازمانهای سیاسی از جمله نشریه پیام کارگر ارسال نمودند. ما با درج این خبر حمایت و همبستگی خود را با تلاشهای آنان در حمایت از جان هزاران زندانی که در معرض قتل عام قرار دارند، اعلام می کنیم.

اعتصاب غذا، اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی

روز دهم دسامبر، همزمان با روز جهانی حقوق بشر، تعدادی از ایرانیان مقیم شهر Weissenhof آلمان، در اعتراض به جنایات فجیع جمهوری اسلامی و قتل و کشتار زندانیان سیاسی بمدت سه روز اقدام به اعتصاب غذا نمودند. این اعتصاب غذا با حمایت گسترده مردم آلمان مواج گشت.

حکم اخراج ۱۱ پناهنده ایرانی از آلمان

بر طبق خبری که از طرف انجمن ایرانیان کوبلنز "انتشار یافته" در حال حاضر در محدوده Mayen-Koblenz بیشتر از ۱۱ نفر پناهنده حکم اخراج دریافت کرده اند که تا کنون با وجود قمار لیست وکلایشان هنوز موفق به تغییر رای دادگاه نشده اند. طبق همین منبع در آستردام یک جوان ایرانی که برای پنجمین بار تقاضای پناهنده گش رده شده بود خود را از پنجره طبقه چهارم به خارج پرتاب کرده و بدین وسیله خودکشی کرده است.

برای نجات جان زندانیان سیاسی با خیزیم!

نورنبرگ - آلمان فدرال

دانمارک - کپنهاگ

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران

اعتصاب غذا و راهپیمایی

علیه کشتار زندانیان



"جمعی از بنیادگذاران سیاسی ایرانی" به همراه برخی از نیروهای سیاسی در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی از تاریخ ۱۲ دسامبر ۸۸ دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند. این حرکت اعتراضی که از حمایت وسیع ایرانیان و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی از جمله رفقای هوادار سازمان ما برخوردار بود بعد از چهار روز ادامه داشت.

متحصنین در روز آخر (۱۶ دسامبر) با اعتصاب ۲/۵ بعد از ظهر در میدان شهرداری کپنهاگ اجتماع کرده و بعد از ساعت شش "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "زندانی سیاسی آزاد یا بیدگردد" را سرداده و بدین وسیله افکار عمومی دانمارک را متوجه جناح پنهانی بیستام روزیم جمهوری اسلامی ساختند.

ساعت ۲/۵ همان روز تقریباً ۲۰۰ نفر ایرانی و دانمارکی با صف منظم و با حمل مشعل‌های فروزان راهسفرات جمهوری اسلامی را در پیش گرفتند. در مسیر راهپیمایی عده‌ای از مردم دانمارک با مژده پلاکاردها بیایا خریدن برچسبهای حمایت از زندانیان سیاسی به صف راهپیمایی پیوستند. و بدین وسیله صداهای نافر با اجتماع در جلوی سفارت جمهوری اسلامی نگرته خود را از اقدامات جناح پنهانی برای زندانیان، شرکت انبوه زینا دجنمیت در این حرکت اعتراضی نشانه همدردی بخش بزرگی از بنیادگذاران سیاسی ایرانی با زندانیان در بند می باشد.

انسانیت است، "مرگ بر جمهوری اسلامی ایران" و "برای آزادی بیش از ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی ایران بپاخیزید" ... با احساس همدردی مردم شهر نورنبرگ و پیشانی حزب سبزها و حزب کمونیست آلمان و شهر آزاد بنیادگذاران نورنبرگ و بربرو شدند. اخبار مربوط به این تظاهرات از اردیبهشت (۲۷ اردیبهشت) مترقی شهر نورنبرگ (ورا دیوفرا نکسن) پخش گردید. تظاهرات کنندگان با پخش اعلامیه از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، سازمان عفو بین المللی و احزاب و سازمانهای سیاسی و انسانی دوست دعوت کردند که به این جنایات اعتراض نموده و خواستار آزادی زندانیان و لغو حکس نام اعدام و قطع کشتار زندانیان سیاسی شوند. اعلامیه مزبور به سازمانهای زیربند ارسال گردید.

خبری را که در زیر می خوانید توسط تظاهرات کنندگان در شهر نورنبرگ برای پیام کارگر ارسال شده است. ما عین خبر را برای اطلاع خوانندگان خود درج میکنیم:

"بنیادگذاران انتشار اخبار کشتار زندانیان سیاسی، جمعی از ایرانیان مدافع حقوق زندانیان سیاسی روز جمعه مورخ ۸۸/۱۲/۲ دست به تظاهرات ایستادند در مرکز شهر نورنبرگ در کلیسای لورنس زدند. در این حرکت اعتراضی حدود ۵۰ نفر از ایرانیان به اتفاق نیروهای آلمانی و ترک با حمل شعارهایی با مضمون: "به کشتار زندانیان سیاسی ایران پایان دهید"، "رکورد جنایات خمینی قتل عام بیش از ۱۱۴ نفر در کمتر از سه هفته"، "برابری زنا و مردان در ایران، برابری در قتل عام است"، "همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، همبستگی با"

وین - اتریش

شب همبستگی با زندانیان سیاسی در تظاهرات علیه حمله خون در ایران

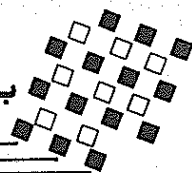


بنیادگذاران انتشار خبر کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی، تجدید محاکمه، محکومین و نقل و انتقال زندانیان سیاسی و در یک کلام قلع و قمع و نسل کشی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و جمعی از تشکلهای هوادار سازمانهای سیاسی و تشکلهای دمکراتیک مقیم وین از حدود یک ماه قبل دست به سازماندهی یک سری برنامه‌های افشاگر علیه رژیم اسلامی در سطح شهروین زدند. این برنامه‌ها از جمله شامل برگزاری چندین پیشگاه عکس و پخش اعلامیه در سطح وسیع برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی، اعتصاب غذا، تلگرافها تلکسها برای مراجع حقوق بشر و شب همبستگی ... میشد.

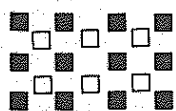
تظاهرات در تاریخ شنبه ۲۶ نوامبر در شرکت جمعی از هموطنان و نیز تعدادی از مسردم اتریش انجام گرفت. در طول مسیر راهپیمایی شعارها و محکومیت ترور و شکنجه و اعدام، دفاع از آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، دعوت افکار

راهپیماییان تکرار گردید. راهپیمایی با قرائت اعلامیه برگزار کنندگان تظاهرات و تکرار شعار زنده باد همبستگی بین المللی پایان یافت.

عمومی اتریش و محافل بین المللی برای همبستگی با خلقهای ایران بویژه خلق قهرمان کرد، محکوم نمودن رژیم در سرکوب خلق زنده کرد، از سوی



به بهانه: سینما در چنبره نبوغ فقها - پیام کارگر شماره ۲۹



اپورتونستی همواره بیشترین خدمات را به "غالبا" عرضه داشته و بزرگترین قربات را به "مغلوبان" وارد آورده است.

اما غرض از این نوشتار - گذشته از موضوع "محمود قنبری" ها و نیز حساسیت خود نسبت به جریانات هنری ایران - یکی هم "تعجیب" بود که چگونه یک شریه سیاسی - سرانجام پس از سالها تن به بلا میدهد و از یکسویه نگری صرف سیاسی در میگذرد و به طرف خودنیزمی نگردد تا ریخ جهان را از بدو تولد خودش نمی بیند و درمی یابد که فرهنگ یک جا معنی عام کلمه و "هنر" به مفهوم خاص آن - بمثابه مهمترین شالوده فکری انسان چه اهمیت حیرت انگیزی در درگونی جا معده دارد.

حالا نیروهای بالنده و مترقی ما فیلم می بینند - تا ترمی روند - در نشریاتشان نقد می نویسند و بی گیرانه هنرمندان را جستجو میکنند و به این درک میرسند - هر چند خیلی دیر - که حکومت ها منهای تیرو تفنگ و غل و زنجیر - اشکال سمراط بقوی تری را - حتی از منبرهای ۱۴۰۰ ساله شان - برای جهت دادن و تحمیق نمودن مردم در اختیار دارند که در جای خود میتوانند بسیار خطرناکتر از هر حربهای باشد.

نمیدانم تا یدا بین جمله زلنین با شد کس: "دوربین سینما را به دستم بدهید تا جهان را فتح کنم" و این گفته ای است دقیق و واقعیتی ملموس که هنوز در اشکال جدیدش سینما - تا چه میزان به لحاظ تا شیر گذاری بصری بسیار قوی اش - بویژه بر جوان معنی نظیر ما قداست نقش تعیین کننده و بسا دستکم جهت دهنده داشته باشد. آنوقت درمی یابیم محمود قنبری ها و صدها مانند او که تا یدا نشان را نشنیده و یا هرگز نشنیده، چگونه به مرا تب جنایت - کارانه ترا زلاجوردی ها و گیلانی ها - عمل کرده و در تحکیم و استمرار رژیم و به تبع آن در تحمیق توده ها کوشیده اند. منتهی یکی فیزیکی و تن و تنوش جا معده را هدف قرار میدهد و دیگری روان و اندیشه آن را.

با بدگفت هنرا مرز بویژه تا ترسینما و تلویزیون قبل از هر چیز فن است و تکنیک و ناگزیر هنرمند علاوه بر دیدگا های حسی و هنری - نیاز به آگای های تکنیکی دارد اما خلق عناصر هنری برای حکومتی که بوئی از آن نبرده و املات دیر و با آن در ستیز بوده و هنرمندرا "مطرب" و هنررا "مطرب با زی" تلقی میکرده است - به ما دگی میسر نیست مگر آنکه به نخبگان و تجربه دیدگان آن (همسان مطربان به زعم او) - که طبعا همگی به دوران گذشته تعلق دارند چشم داشته باشند؛ با لآخره با ید بر نامه های تبلیغی رژیم - با آن سیستمهای عریض و طویل بجا مانده از گذشته، کارگزارانی داشته باشد - نمازهای جمعه را با ید بخش کرد - تما و بر

هم بگوش نیامد. و گفت: "این حکومت آقا یان شایسته ها حکومت دنیا ست که با دست بظا هر مخالفینش ادا ره میشه، و نه موا فقینش" لحظه ای همه ما ندیم - بعد دریا فتیم عجب جمله ای شنیدیم - بخود آمده اندیشیدیم که شاید سیاسی ترین جمله ممکنه را که سخت با واقعیات موجود ایران منطبق بود - درمکانی که نیا یدواز فردی که هرگز نا نظارش را نمیرفت شنیدیم: "این حکومت آقا یان، شایسته ها حکومت دنیا ست که با دست بظا هر مخالفینش ادا ره میشه و نه موا فقینش، بدنبال او از جا پریدیم - اما همچنان انبوه بود که دیگر امید به یافتنش نبود، درحالی که دیگر آن همه شکوه و جلوه خیال انگیز طبیعت، در برابر عمق واقع گرائی تک جمله آن پیرزنده پوش بیابانی، ابهت چند لحظه قبل رانداشت.

x x x x

"حکومت خمینی توسط به ظا هر مخالفینش ادا ره میشود و نه موا فقینش" اگر نگوییم این کلامی است سخت مایوسانه - اما درینا بلحاظ واقعیت های موجود سیاسی - اجتماعی فعلی ایران و نیز به دلایل مشهود و مشبوت با ید به یریم که به قدرت رسیدگان حکومتی واقعا مدیون (بخش قابل ملاحظه) مخالفین ظاهری خود هستند - چه نمونه با رز، کوچک و بی مقدار آنرا که شایده شما دوستان تما دفا با نام او بر خوردید - در شماره ۲۹ پیام کارگر در مقاله کوتاهی بنام "سینما در چنبره نبوغ فقها" خوا ندیم.

جمله آن پیر مرد مطمئنا شامل افرادی چون "محمود قنبری" ها میشود که نمونه ای است برخیزل فرصت طلبان مطلع و بظا هر مخالف و روشنفکر نمایان دست دوم و نخ نما شده ای که با چند چهرگی، نا راهه وقت به ترخ روز میخورند و فرق نداد که تا شیرا بین مزدوری در روند فرهنگی جا معده جا شد.

البته تا سقا نه ریشه تاریخی این منش در تاریخ حداقل هزار و چهار صد ساله اخیر ما بسیار قوی بوده است - که گاه به غلط و نیز از سر تعبیرو توجیه خود، اعمالشان را "استحاله دشمن" نامگذاری کرده اند. از بر مکیان واقشین های ایرانی تبار گرفته (در دربار عباسیان) تا جوینی های بظا هر وطن پرست! (در باره مغلان) و سرا سر سلسله قاجاریه... البته تا به بعد - جای جای خیانت های جبران نا پذیر عناصر به بظا هر مخالف و مملحت گرا که بیش از آنکه خود بداند در تحکیم و تداوم نیروهای غالب موشربوده اند - دیده میشود، و حتی در شرا یسط کنونی "حزب توده" مشخصه و نمونه بارزی از این نوع عناصر است و بقول دوستی: حزب توده در واقع - هزار و چهار صد سال است که در ایران قدمت دارد و توده چهل سال - و به شهادت تاریخ ما - که تا ریخ "اگرها" و "مگرها" است - این روحیه انفعالی و

..... غروب غریبی بود - غروب گه نه، شاید وقتسی بود که دیگر نه آسمان بود و نه زمین. "هنکا" موزمیان تلاطم حیرت انگیز مساهای عجیب و یا ورتگردنی، که به اشکال شکیل و یدییع - انگارانه و خواب زده - در خورد می لولید، "تو" میزد و بعد "وا" میزد - گم شده بود.

تو گوئی هرگز نه زمان بود و نه مکان. همه دره ای ژرف را پر کرده بود و لبریز و آسیمه سر، بر دشت خیزده بود و با هیا هوئی بی صدا و مرموز - شتاب زده و بی مهار همه جا را فرا گرفته بود - فقط گاه سر شاخه های سوخته و پیریشان درختان لاغرو تنک افتاده - فاصله به فاصله، از انبوهی مه - سرک می کشیدند.

آنجا یکی از ارتفاعات شمال ایران بود و من - بلکه دیگران هم - تا آن لحظه چنین شکوه و بدا عتی ران ندیده بودیم. همگی گرچه خسته و نفس بریده، اما تخیل زده و به حیرت آمده، بدنبال یافتن مکانی برای نشستن - اما انبوه و غلیظ زیر پایمان را پس میزدیم، که دفعتا با بستری از شفا یقهای سرخ یکدست، که بر شیب آرام تپه ای گسترده شده بود، رو بر او شدیم - رمز زیبایی بود و راه زشکفتن و رستن - که میان ما مستور مانده بود و ما همچنان شگفت زده و مبهور، میان شفا یقها و لو شدیم و به نظاره نشستیم، که گله ای گوسفند - زنگوله زنان از پس ما بیرون جستند و طرف ما را گرفتند و در پی، چوپان میان قدوبالا - مسن و زنده پوشی - چالاک و سر حال سر رسید و بی تکلف و تعارف میان ما نشست - سلام گفت و با نگاه تیز و کوه تا دریا فت که اهل آن دیا رنیستیم - از سوا تل فیلم برداریمان شایده "چیزی" تک دستگیر شد - اما قطعا نفهمید که ما بعنوان یک گروه فیلمساز برای انتخاب محل فیلم برداری (لوکیشن) تا یدا نجا، راه دشوار و طولانی را طی کرده ایم. نمی دانم در سرش چه گذشت کس - دفعتا سرگفتگورا با این جمله با زکرد:

..... آقا جان عمری از ما رفته... زندگی من همش تو همین دشت و بسا بون، دنباله به مشت حیوان زبون بسته گذشته... دهاتی ام... اما سرد و گرم چشیده و دنیا دیده ام... اجداد ما که سهله... محمد شاه هم با دمه... رضا خان پالانی و پسرش و بعد ما... حکومتی... که خب شما هم بدتونه... و بعد بخنده کلام بریده بریده و گسیخته اش را خورد و ناگهان خنده بر چهره اش ما سید و رک و خشن ادا معده داد؛ اما آقا یان این حکومت آخری را گمان ندارم که هیچکس در هیچ کجای دنیا دیده باشد.

همه سکوت کرده بودیم و نمی دانستیم از کجا با او گره بخوریم - ولی او منتظر ما نبود - با حالتی متخبر و بیانی محکمتر - بر روی تک و آه های جمله ای که گفت تکیه کرد و بعد همان گونه که بی مقدمه آمده بود - از جای برخاست و بدنبال گوسفندان، در مه فرو رفت - و حتی دیگر صدای زنگوله های گله اش

ستون آزاد

در پاسخ به مقاله خانوادگی و ازدواج

"میترا"

نداشتن زن نمی توان خلاصه کرد، این تنها یک وجه قضیه است، وجهی که نقش قابل توجهی را در جامعه ما (ایران) بازی میکند. اگر در ایران به خانواده ها نگاه بکنیم، زنان کارمند و کارگری داریم که حقوق خود را در زندگی همچون زنانی که هیچ حقوقی در خانواده ندارند عمل میکنند. آدامه زندگی با مردی که به او علاقه ای ندارد، آدامه زندگی بعد از یک ازدواج اجباری تنها شامل زنان بدون استقلال اقتصادی در جامعه ما نیست، از نوعی استقلال دیگری که نقش قابل توجهی در این زمینه بازی میکند، میتوان فرهنگ جامعه و فرزند را نام برد، کمی بیندیشیم، به یک زن مطلقه در جامعه ما چگونه نگاه میکنند؟ با قانون ارتجاعی خانواده در رابطه با سرپرستی از فرزندان چه حقوقی به زن داده اند، ما زنانی را در جامعه ما ندیده ایم و نخواهیم دید که چه مشقاتی را قبول میکنند تا بتوانند در کنار فرزندان خود زندگی کنند، زندگی برای آنها بدون جگرگوشه هایشان بمراتب سخت تر از زندگی زیر فشار مرد است که او را دوست ندارند و در آخر فکر میکنند بعد از این به کجا با پدر بروند، زیر فشار پدر و برادرها - ایشان و با دو باره زیر فشار مردی دیگر که تا فتهای جدا با فتهای آن جامعه نیست، زیر دست مردانی که تربیت شده، همان جامعه مردسالار هستند، پس راه گریزی ندارند، زنان در ایران که تجربه دوزندگی را با دو مرد مختلف دارند، چیزی جدا از این نمی - اندیشند که همه مردان چنین هستند، بای صحبت این زنان بنشینیم تا به این واقعیت هولناک بیشتر پی ببریم، او ما در خارج از کشور همه شاهدان هستیم در مدخل بین ایرانیان هستیم، زنان به تنهایی میتوانند از حقوق اجتماعی استفاده بکنند، به چه زنان تعلق میگیرد، بدین ترتیب میتوانند جدا شوند و زندگی خود را داشته باشند، ولی این مسئله در اکثر زندگی ها هیچگونه تفاوتی بوجود نیاورده است، زنان و مردانی که بدون عقد شرعی زیر یک سقف قرار میگیرند با زمان روابط خانوادگی های سنتی و ازدواجهای سنتی را با تولید میکنند. شادگیتک خوردن زنان از "دوستان" مردشان هستیم، هنوز بدون اجازه "دوستان" بخوانند "شوهر" خود حق رفت و آمد به محلهای مورد علاقه شخصی شان را ندارند و علائق خود را سرکوب میکنند، از طرف "دوستان" به مرگ تهدید میشوند، به صورتهایشان اسید پاشیده میشود، چشمهایشان با قیچی از کاسه بیرون می آید، بله این واقعیت های موجود است، واقعیتهائی که سخت تکان دهنده است، پس مسئله صرفاً برای این نیست که دینفر، استقلال اقتصادی دارند یا نه، عقد شرعی را در دنیا نه، مسئله بر سر فرهنگ مردسالارانه است که زن را به "جنس دوم" و زیر دست تبدیل کرده است که متأسفانه بخش عظیمی از زنان خود نیز

میکند.

و در ادامه می نویسد:

"بنا بر این لازم است ضمن مباحثه با انحرافات زنان فمینیست نقطه وحدت خود را که مباحثه با فرهنگ مردسالاری است با آنها تقویت کنند." (تاکیدها از ماست)

حال از این بگذریم که شما برای این اعتقاد هستید که ستم جنسی چیزی جدا از طبقات است و هم زنان بدون توجه به اینکه به چه طبقه ای وابستگی دارند مورد ستم جنسی قرار میگیرند، از نظر بنیادین دور است که وابستگی های طبقاتی تنها شدت و ضعف این ستم را تغییر میدهند. در قسمت اول بحث صرفاً میخواستم توضیحی در رابطه با شکل برخورد و نقد مقاله ای بدهم که تا جایی که میتوانیم سعی کنیم بادی غیر جانبدارانه بحثها را بخوانیم و برخورد کنیم، تحریف نکنیم، سرکوب نکنیم و از قدرت تفکری و ایدئولوژیک خود کمک بگیریم.

قسمت دوم بحث شامل "خانواده" و "زندگی مشترک (بدون عقد شرعی)" که برای ما که در خارج از کشور از محیط آزادی در این زمینه برخورداریم مطرح شده است و بحث انگیز است، بگذریم از آنجا که حتی نام خود را "کمونیست" میگذارد و بدو برای ازدواج حتی با رفیق تشکیلاتی خودشان در همین خارج از کشور در بر دمی گردند که آخوند ترک یا عربی پیدا کنند تا هم خوابگی و زندگی مشترک خودشان را "شرعی" کنند.

مطرح کردن بحثهای جدید همیشه یکسوی از وظایف آزادی اندیشان و نیروهای انقلابی بوده است، آنها هرگز این ترس را به دل خود راه نمیدهند که فلان بحث یا مسئله در جامعه کشش دارد یا نه، آنها پیشگویی نمی کنند، بر مبنای وقایع تاریخی مسائل را تحلیل میکنند و با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته اند شکل مطرح کردن بحثشان را تعیین میکنند، از مطرح کردن واقیعات چشم پوشی نمی کنند، بلکه بهترین راه را برای بیان آن پیدا میکنند، این مسئله را هر کسی که کوچکترین آشنائی با مبارزه سیاسی داشته باشد، یاد داده است و با تجربه های شخصی آنرا لمس کرده است، خاموش ماندن در مقابل تحریفگری یک جامعه عقب افتاده و مسکوت گذاشتن برخوردیه "اعتقادات مردم" ما را به آنجا می کشد که اشتباه گذشته، خود را دوباره تکرار کنیم و با این بهانه که مردم ایران همه مسلمان هستند، به مذهب کاری نداشته باشیم، و کاری نداشته باشیم تا بخت جمهوری اسلامی بر سرمان ظاهر شود، و اکنون مسئله "خانواده" و "زندگی مشترک بدون عقد شرعی" "بوجود آمده است، آزادی و رهائی زن را برای یک انتخاب آزاد دوباره ای یک زندگی مشترک تنها به استقلال اقتصادی داشتن بسا

در چندین شماره از نشریه "پیام کارگر" نوشته ها و در رابطه با مسئله "زن و خانواده" آمده است که هر کدام از نوشته ها به جای خود قابل بررسی هستند و در عین حال که نکته های مثبتی در هر کدام خوابیده است، ولی بار منفی و برداشتهای یک بعدی و غلط در آنها بیشتر به چشم میخورد، نمونه او را را می بینیم: در نوشته ای که به امضای "ن در پیما کارگر شماره ۱۲" آمده است، بنظر ایشان سعینار "تشکل مستقل دمکراتیک زنان اروپا" گناه کبیره ای انجام داده است که به یکی از مسائل زنانه که مسئله خانوادگی و ازدواج سنتی است پرداخته است، و واقعاً چگونه میتوان از این گناه کبیره گذشت، آیا دید - گاهی که "پیما کارگر" را که به درستی اخبار مبارزات ایرانیان مقیم خارج را درج میکنند و بدون تنگ نظری که تا این گروه آشنائی وابسته به زمان آنها هست یا نه، برای آنها آرزوی موفقیت میکند، محکوم میکنند و به یاد افتاد میگردند با این شیوه تفکر آینده خوشی برای ملت ما که همیشه زیر تیغ سانور بوده اند به ارمغان خواهد آورد، این تنها از بعد اجتماعی و آزادیهای مطبوعاتی است، از آنجائی که ما ملایمانی داریم چه کسی و با چه تفکراتی می برخوردیم؟ کنیم مشکل است که نوشته او را به نقد بکشیم، چون اگر تقدیم "ازدواج سنتی" را از نظر او بگیریم میتوانیم بگوئیم یک فرد مذهبی است و خوب با یک فرد مذهبی نمی توان صحبت از "زندگی مشترک" و "رابطه جنسی آزاد" و... بدون عقد شرعی کرد، ولی بهر صورت ما میدویم "پیما کارگر" این فرصت را در اختیار همگان بگذارد تا با نظرات متفاوتی که در بین ایرانیان وجود دارد بیشتر آشنا شویم، شما نتوانیم روشن تر بحثهایمان را به پیش ببریم. از گونه برخورد های سرکوبگرانه، که از شیوه های کهنه شده دستگای حکومتی است، در نوشته "ملکویان" در "پیما کارگر شماره ۲۵" میخوانیم، که "ن" را که در "پیما کارگر شماره ۲۱" نوشته ای در همین مسعود داشته است مورد تکفیر قرار میدهد که چرا از "ویلhelm" را با "فاکت" آورده است، چون به نظر ایشان به علت اینکه "رایش" از حزب کمونیست آلمان و کمونیست در سال ۱۹۳۴ که هفتاد و دو سالین بر سر همه احزاب "ب" را در آستانه فکند بوده، اخراج شده است و حتماً یک فرد اخراجی هرگز حرف درستی نزده است و نمی توانند بزنند، در مورد دیگر تحریف بحثها و نظرات است، اگر "ملکویان" نا خود آگاه از "فمینیسم" به طوری صحبت میکنند و این را به "ن" نسبت میدهند که گویا "ن" زن را به مبارزه بر علیه "فمینیسم" فراخوانده است، با یاد مقاله "ن" را دقیقتر مطالعه کند، "ن" در "پیما کارگر شماره ۲۱" می نویسد:

"زنان کمونیست با انحرافات زنان فمینیسم که ستم جنسی را جدا از ستم طبقاتی می بینند مبارزه

از صفحه ۱

به جلادان فرصت...

زندانیان و آنا را آن برافکار عمومی و اعتراضاتی که به همراه داشته محو بی رنگ گردد. بی شک رژیم جاهل و جنایت جمهوری اسلامی در انتظار از تب و تاب افتادن اعتراضات در عرصه جهانی و فراموش شدن حادثه است، تا بی درنگ طرح ننگین و نیمه تمام خود را به پایان ببرد. اگر در فضای سیاسی چنین احساس میشود که گویا، موج بلند عداوتها فروکش نموده است این خود می تواند حیلله ای در دست رژیم باشد تا آن برای اغفال اپوزیسیون و از گذراندن موج حملات تبلیغاتی بین المللی استفاده کرده و کار را به اصطلاح یکسر کند. بنا بر این در حال حاضر ما باید در کنار رفرا هم آوردن مقدمات تریا کردن مجدد نظرات و آکسیونهای گسترده و سراسری که تا روزه دسامبر، یک دوره از این رشته فعالیتها بسا موفقیت انجام رسید، آکسیونهای تبلیغی پرتحرک و همگانی را ادامه دهیم. مسئله نقض حقوق بشر و ادا عداوتها را به پای رلمانها ببریم و خواستار صدور قطعنامه ها می در حکومت رژیم اسلامی شویم. بسا جمع آوری مدارک و اسناد عداوتها، احزاب، سازمانها و شخصیتهای سیاسی را تشویق به اعتراض به رژیم کنیم. بسا مراجعه به دفاتر روزنامه ها، خبرگزاریها، در هر جا که دسترسی داریم، مسئله ایران را مطرح کنیم. و در سطح نیروهای ایرانی، همچنان روی حلقه ایجا دکمیت های اقدام و عقدا تحاد عملها بکوشیم.

ستون آزاد

این فرهنگ را از طرق گوناگون با تولید میکنند. با تمام ادعاهای که بخشی از زنان "فمینیست" ما دارند که ما چنین و چنان هستیم، برخوردها پشان را در مقابل دوستان مردشان و یا در رابطه با تربیت فرزندان نشان به زیر ذره بین ببرید تا فاجعه باز تولید فرهنگ مردسالارانه را بدست کسی که خود قربانی این سیستم هستند ببینید.

ضعف و کمبود همه بحثها این است که تک بعدی داستانها را بررسی میکنند. و جنبه های مختلف آنرا در نظر نمی گیرند. مثلا سفا نه در یک نوشته کوتاه برای یک نشریه، خبری بیشتر از این نمی توان مسئله را با زکرد، ولی اگر بتوان این بحث را بسه شما ره های مختلف نشریه کشا ندوبه شکل سلسله مقالات در آورده آنگاه میتوان در هر شما ره یکی از این عوامل را بررسی کرد تا بتوانیم نتیجه ای برسیم یا حداقل بتوانیم زاویه های مختلف بحث را روشن تر بکنیم.

بها میدبرای شما ما نسا نسا بدون در نظر گرفتن جنسیتشان

"میترا"

در رابطه با موج اعدای دسته جمعی هزاران نفر از زندانیان سیاسی اعلامیه ای از طرف ما مستشار شیخ عزالدین حسینی انتشار یافت که در زیر گوشه های آنرا میخوانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم آزاده ایران!
مردم شرافتمند کردستان!

رژیم جمهوری اسلامی که پس از زلزله پافشاری و صراحت بر ادا مه جنگ ایران و عراق، سرانجام با شکست فزاینده با در جبهه ها مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل گردید، برای سرپوش نهادن بر موجی از اختلافات و تضادهای میان هیئت حاکمه و بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود و برای مقابله با نابسامانیهای خود و جلوگیری از انفجار رضایتی های توده مردم و ایجاد اختلاف و سرکوب هر چه بیشتر در جامعه، پس از برقراری آتش بس، با قطع ملاقات، شکنجه و آزار زندانیان، دست به کشتار و اعدای دسته جمعی زندانیان سیاسی در سراسر کشور زده است.

جنایتکاران رژیم ولایت فقیه علی رغم اینکه ده سال تمام است با تمام قدرت برای سرکوب مبارزات رها نشی بخش مردم کردستان از هیچ قساوت و جنایتی کوتاه نگردیده اما نتوانسته بر راده ملت کردتسلط یا بدومبارزه سیاسی و شعله های جنگ مسلحانه کردستان همچنان پایدار و با برجا است و هم اکنون ترس و وحشت رژیم بجای رسیده که اقدام به تحت فشار قرار دادن خانواده شهدا و بیشتر گه ها و زندانیان سیاسی نموده و همچنین در شهرهای سنندج، سقز، بانه، سردشت و مها با دبه دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاد شده و پرداخته و بر طبق اخبار واصله اکثر کسانسی که قبلا در صفا انقلاب بوده اند و هم اکنون تسلیمی رژیم هستند یا دستگیر و اعدا شده یا شدیداً تحت کنترل هستند.

در شرایطی که اختلاف و دودستگی در میان رهبران جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده است، جا شیکه نه تنها منتظری و اارودسته اش بلکه موسوی نخست وزیر نیز از دور تحت نظر قرار می گیرد، و هم اکنون که جنگ قدرت در میان سران رژیم در گرفته است یا بد آنگاه ها نه و یا افشای اینکسه

تمام جناحها جزئی از دیکتاتوری سیاه و ارتجاعی آخوندی هستند و هدفی جز پایدال کردن آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان و زنان و خلقهای تحت ستم را ندارند و میانه بی مسان خود برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و لغو اعدا و شکنجه و علیه تمام حاکمیت جمهوری اسلامی ادا مه دهیم.

یقین دارم این جنگ بی فرجام هشت ساله ایران و عراق پاییه های نظام رژیم را پوشیده و سست کرده است. لذا باید خود را برای دوره نوینی از مبارزه سرتاسری آماده نمود.

وظیفه انقلابی تمام نیروهای سیاسی است که با استفاده از تجربیات مبارزات ده ساله اخیر تلاش خود را برای هماهنگی و ایجاد نزدیکی و همکاریهای عملی گسترش دهند و در یک صف متحد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به حکومت مردمی و دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران مبارزات خود را بیش از پیش شدت بخشند. پیروزیتان را در راه رسیدن به اهداف انقلابی از خداوند تعالی خواستارم.

سید عزالدین حسینی

۱۳۶۷/۹/۱۸

سزنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

را در این قاره سا زما ندهی کنیم و این در صورتی است که ما قبلا فقط صحبت از اتحاد چپ انقلابی داشتیم، اما میدوایم بخواهیم بجای "ما زمان هماغهنگی" (P.R.O.) که دیگر وجود ندارد، این جبهه را ایجاد کنیم.

س: شما همیشه مبلغ هماغهنگی وحدت چپ انقلابی در آمریکا لاتین بوده اید، اقدامات شما تا کنون چه نتیجه ای داشته است؟

ج: در ابتدا بگویم که ما متعلق به جامعه ای هستیم که در آن حقوق انسانها شدیداً زیر پا گذاشته میشود. میشود و بدین دلیل ما جامعه ای را تبلیغ میکنیم که در آن هیچگونه نقض حقوق بشر وجود نداشته باشد. زیرا ما با تمام پوست و گوشت خویش شاهد نقض حقوق انسانها بوده هستیم. تجربه شهدا و نا پدیدشدگان، ثابت کرده که با بددرا این امر جدی باشیم. در عین اینکه این تنها مشکل ما نیست. در کشور ما و قاره ما، در آفریقا و کشورها ایران و حتی در بسیاری از کشورهای اروپای این نقص وجود دارد. این زائیده مناسبات جا برانه سرمایه داری است و این طبیعی است که در بحران های سرمایه داری استفاده از شکنجه و اعدام و روتق دار و بربانی اساس این راه مسامحه با تمام خلقهای جهان هستیم. بطور مشخص ما با مردم و نیروهای انقلابی ایران با راه همبستگی خویش را اعلام داشته ایم و همیشه متذکر شده ایم که بر علیه شکنجه و اعدام و سرکوب با یکدیگر متحدانیم و در کنار هم ایستادیم. بنظر ما در جهان تغییر و تحولاتی در حال رخ دادن است. سیستم سرمایه داری جهانی واردنا تجدیدی میشود. کشورهای در حال رشد و وابسته دستخوش تغییرات و دگرگونیها می میشوند و در این شرایط ما سازمانهای انقلابی باید آنها را دریا بند و اتحاد در مجویانهای را سازمان دهند و آنها را از این طریق است که میتوانیم در عرصه بین المللی نیروی خویش را هماهنگ کرده از تجربیات همدیگر استفاده کنیم. ما هنوز از تغییر و تحولات واقع جهان اندکی عقب هستیم. ما باید نقش خویش را بعنوان پیشاهنگ، آنطور که شایسته است ایفا کنیم، ما باید پیوند خویش را تنگتر و در عرصه جهانی گسترش دهیم و خلاصه اینکه ما بسمه انترنا سیونال لیسم پرولتری و همبستگی جهانی معتقدیم و باید این را در عمل به اجرا آوریم.

پایان

آلمان فدرال - هانوفر

اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی

به ابتکار جمعی از دانشجویان ایرانی در شهر هانوفر تا ریخ ۸۸/۱۲/۱۵، در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی، نماز پیشگاه عکسی از شرایط زندانها و شکنجه زندانیان ترتیب یافت که مورد استقبال گروهی از دانشجویان آلمان و نیروهای ترقیخواه قرار گرفت. در محل آکسیون اعتراضی نماینده پارلمان حزب سبزهای آلمان نیز شرکت جست و سخنانی پیرامون اشکاس مسائل حقوق بشر ایران در پارلمان این کشور ایراد کرد.

می گویند با استفاده از پیروزی بر حکومت نظامی (نه نظامیان) میتوان با حکومت وارد مذاکره شد و از این طریق خواهان رفورها می گردانند. هدف ما مبارزه با این نوع رفتن قدرت است و از این زاویه ما نمی توانیم هیچگونه همکاری با ما حساب نظریه دوم داشته باشیم.

س: شما این توان را در خود می بینید که این موضوع را پیش ببرید؟

ج: ما فعلا خود را آنچنان قدرتمند نمی بینیم که به تنهایی از این عمل برآیم. هر چند نتایج چهارمین کنگره ما که اخیراً برگزار شده ما را در این راه بسیار آری خواهد کرد. ما در حال گسترش پیگانه خویش در بین زحمتکشان هستیم. در بین کارگران و دهقانان، در این امر با حزب کمونیست موضع بسیار نزدیکی داریم ولی متاسفانه در جناحی از حزب سوسیالیست گرایش به راست دیده میشود. شرایط مبارزه بسیاری از سازمانهای چپ را در کنار هم قرار داده و این امیدوارکننده است.

س: نقش پیگانه "میر" در جنبش کارگری شیلی در میان سازمانها و احزاب و کلا جنبش خلق در شیلی چگونه است؟

ج: همانطور که گفتیم، با توجه به وابستگی خاصی که شیلی به امریکا لیسم دارد، وحدت چپ انقلابی علیه آن لازم مبارزه است. ما با حفظ مواضع خویش در امر مبارزه با حاکمیت نظامی و ترور و سرکوب می توانیم مواضع و اهداف مشترکی را پیش ببریم. ما حتی قدرت آنرا داریم که با تروتسکیستها هم که معتقد به انقلاب جهانی هستند در این رابطه همکاری داشته باشیم. اتحاد در عرصه بین المللی نیز از این جهت هدف ما بود و در این راستا بود که در سالهای ۷۵-۷۴ که سازمان هماغهنگی در قسمت جنوبی آمریکای لاتین (P.R.O.) شکل گرفت و احزابی چون حزب کارگران انقلابی آرژانتین - سازمانهای چپ انقلابی در اوگوش و بولیوی و... با هم متحد شدند. شرایط آن زمان آمریکای لاتین فرق میکرد. حکومتها و نظامی همه جا شکل گرفته بود و انقلابیون تحت فشار نظامیان بودند. پیدا کردن راههای جدید در این شرایط جدید مشکلات زیادی برای ما ایجاد می کرد. تغییراتی که در سیستم مالی الیگارشی بورژوازی این حکومتها در رابطه با انحصارات بین المللی پیش آمده بود، باعث قدرتمندتر شدن طبقه کارگر گردید. بسیاری از سازمانها به علت عدم انطباق با این شرایط جدید برضرب رفتند و در نتیجه P.R.O. ضعیف شد و رابطه ما محدود در سالهای

پایانی دهه هفتادگان انقلاب به آمریکا مرکزی انتقال یافت و ما بطور فعال در کنار رفقای خویش در سالها دور، نیکی را گوشه و کوا تما لا بوده ایم و در این راه و همراهان جنگیده و شهید نیز داده ایم. در حال حاضر شاهدیداری سازمانهای انقلابی در آمریکا لاتین هستیم و در این راه سازمانهای جدیدی نیز شکل گرفته اند. از اوایل سال ۸۸ سازمانهای انقلابی در آمریکا لاتین تلاش جدیدی را برای اتحاد عمل آغاز کرده اند و ما نیز فعلا لانه در آن شرکت داریم. زیرا معتقدیم که با بدجبهه وسیعی از انقلابیون

آرژانتین میگردیم نه یک انقلاب دمکراتیک در مراحل ابتدایی که بعدها بطرف سوسیالیسم میسر خواهد کرد. البته این دیدمختص به جبهه ای سنتی ما نبود. آمریکای لاتین کلادرا این جو زندگی میگرد و تنها انقلاب کوبا بود که در انقلاب را به روی مساکشود و نگرش نوینی را پدیدار کرد.

س: دستاوردهای جنبش انقلابی مردم شیلی چیست و وضع حاکمیت اکنون با توجه به تغییر و تحولات اخیر در شیلی چگونه است؟

ج: موقعیت حکومت نظامی یکی از بحشهای مطروحه در بین چپ شیلی منجمد سازمان است. ما عقیده داریم که حکومت نظامی تمام قدرت را در ما معمه شیلی در دست دارد و تبلیغ اساس کارشان است. ولی رژیم پینوشه در بحران بر میبدر و ما از این بحران در تبلیغات به نفع مردم استفاده میکنیم. تا چند سال پیش شرایط کاملاً ملا با امروز فرق داشت. دیکتاتور در بخش اقتصاد و موقعیتها داشت و توانسته بود قشاری از بورژوازی و خرده بورژوازی را به خود جذب نماید و بورژوازی در شرایط ضعیفی بر میبدر و هیچ آلترنا توی مطرح نبود. حکومت نظامی فکر میکرد که با تبلیغات میتوانند بر تمام مواضع فاش آید. اما از سال ۸۳-۸۲ شرایط تغییر پیدا کرد و شیلی از نظر اقتصاد نیز دچار بحران شد و کم کم زاده من حمایت از دولت کاسته شد. سال ۸۳ بود که تظاهرات و اعتصابات شروع شد. این برای چپ طلبی بود. در همین سال جبهه دمکراتیک خلق تشکیل گردید که حزب کمونیست، سوسیالیست و میر نیز در آن شرکت داشتند. ما این جبهه را آلترنا تورا دیکالی در مقابل رژیم حساب میکردیم. این در شرایطی بود که احزاب راست نیز کم کم زاده من حمایت خویش از رژیم می کاستند.

س: در همین رابطه شما چه برخوردی با دمکرات مسیحی ها داشته و دارید؟

ج: بنظر ما حزب دمکرات مسیحی، حزبی است بورژوازی که دارای حمایت توده ای است و لسی نه با بدحمایت توده ای آنها را با اهداف سیاسی شان مخلوط کنیم. این دامی است که چپ سنتی ما در آن گرفتار شده و از این زاویه سعی در جلب همکساری و اختلاف با آنها دارد. این حزب بعنوان نماینده بورژوازی از خواسته های این طبقه پشتیبانی میکند و خود را تنها آلترنا توی پینوشه میدانند. در اوج تظاهرات توده ای سال ۸۲ آنها وحشت زده شدند. قدرت خلق این حزب را به وحشت انداخته بود. این تظاهرات باعث شد تا آنها را بیشتر از پیش خود را حامی منافع بورژوازی نشان بدهند و مجیزا امریکا لیسم آمریکا را بگویند. آنها اکنون با اعمالشان می خواهند به امریکا لیسم بقبولانند که مدل اقتصاد دمی غیر از آنچه فعلا موجود است نخواهند آورد. در این راستا حتی با مذاکره با نظامیان را برای گسترش دمکراسی پیش کشیدند. بنظر ما هم اکنون در شیلی دو موضع مطرح است. یکی آنکه ما مطرح میکنیم یعنی ادا ما مبارزه تا نابودی حکومت نظامی و کسل رژیم و ایجاد شرایطی کاملاً جدید و گسترش دمکراسی خلقی. موضع دیگر از آن دمکرات مسیحی ها است. آنان

اسرائیل

● بدنبال سخنرانی یا سرعفات در مجمع عمومی سازمان ملل و انتشار رسیانیه مطبوعاتی که در آن صریحا پذیرش شرایط آمریکا از سوی سازمان آزادی بخش برای مذاکره مستقیما اعلام شده بود، حیزب لیکود در یک چرخش سیاسی غیرمنتظره اقدام به ائتلاف با حزب کارگروه حزب مذهبی کوچک نمود. مبنای این ائتلاف خودداری از مذاکره با سازمان آزادی بخش، رد دولت مستقل فلسطینی و ادامه سیاست سختن آبا دیها ی یهودی نشین در مناطق اشغالی می باشد. ناظران سیاسی با توجه به تغییر سیاست آمریکا در قبال سازمان آزادی بخش و شروع رسمی مذاکرات بین طرفین، شانس ناچیزی برای موفقیت سیاست مزبور می بینند، بیویژه که فشارهای بین المللی قابل ملاحظه ای از سوی دوستان اسرائیل و بیویژه کشورهای بازار مشترک، برای این کشور اعمال میشود.

همزمان با تحولات فوق، اعتصاب عمومی در سرزمینهای اشغالی با ردیگر آغاز شده و زد و خورد های خیابانی پراکنده نیز صورت میگیرد. اعتصاب زد و خوردها و اعتصاب عمومی بمناسبت بیستمین سالگرد نبرد لکرا مه شدت یافته و موجب شده که ارتش اسرائیل در نوار غزه یکبار دیگر اعلام حکومت نظامی کند.

بروکسل

● بدنبال اعلام تصمیم بازاری مشترک اروپا در مورد منع ورود گوشتهای هورمونی تولید آمریکا به کشورهای عضو بازار مشترک، آمریکا اعلام نموده که در سال آینده مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به جریمه گمرکی خواهد افزود. این اقدام از سوی ناظران سیاسی به عنوان کشاکش های اولیه در یک جنگ تجاری تلقی میشود که در صورت عدم خودداری طرفین از دست زدن به اقدامات تلافی جویانه میتواند گسترش یابد. مقامات آمریکا طی معتمدنند که گوشت گوساله هورمونی تولیدی آمریکا از نظر مقررات بهداشتی سازمان ملل سالم بوده و برای مصرف کننده زیان آور نیست بر طبق این نظر، اقدام بازاری مشترک برای دفاع از کتاهورزی سوبسیده شده اروپاست که بهروا حدهای تولیدی خانواری تکیه دارد و به این دلیل نمی تواند با مزارع بزرگ و کتاهورزی مکانیزه آمریکائی رقابت کند.

مسکو

● میخائیل گورباچف رهبر شوروی در نطق سالانه خود بمناسبت آغاز سال نو میلادی گفت که از سرعت پیشرفت رفرمها و ازنشایج آنها نااضی است. بر طبق اظهارات وی اگرچه اقتصاد شوروی در سال ۱۹۸۸ بهتر از سال قبل بوده است، اما سرعت بهبود اوضاع اقتصادی و پیشرفت رفرمها رفا بیت بخش نیست. گورباچف اظهار امیدواری کرد که در سال آینده بر مشکلاتی مثل کمبود خواربار، کیفیت نازل محصولات صنعتی و مسائل مشابه با پیش بردن قاطع خودکفائی مالی موسسات و بنگاهها، تقویت تعاونها و روابط اقتصادی بهتر، بتوان غلبه کرد.

کره شمالی

● کیم ایل - سونگ رهبر کره شمالی از ژنرال روه ریو کره جنوبی و رهبران احزاب و مقامات مذهبی کره جنوبی جملگی دعوت نموده که برای مذاکره در مورد وحدت دو کره به پیونگ یا نگ پایتخت کره شمالی مسافرت کنند. قبل از اعلام رسمی این دعوت، تماسهای وسیعی بین نمایندگان دو کشور در جریان بوده است که آخرین آنها دیدار رهبنتهای پارلمانی دو کشور در اواسط ماه دسامبر بود.

نیویورک

● وزارت دفاع آمریکا در آخرین روزهای سال مسیخی گذشته تصمیم گرفت که سلاحهای لیزری خود را در فضا برای اهداف تهاجمی مورد آزمایش قرار دهد. در این آزمایشات، ماهواره های از کار افتاده بنوع عنوان هدف تهاجمی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و متنا سب با نتایج حاصل از این آزمایشات، سلاح های لیزری آمریکا به نحوی با زسی خواهد شد که برای اهداف تهاجمی مناسب باشند.

اسلام آباد

● بدنبال دیدار سران کشورهای اتحادیه جنوب آسیا برای همکاریهای منطقه ای (هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، سری لانکا...) در اسلام آباد پایتخت پاکستان، کشورهای هند و پاکستان قدمهای مهمی در راه بهبود روابط خود برداشتند. از جمله قرار دادی بین طرفین امضاء شد که بر مبنای آن طرفین در صورت وقوع جنگ از جمله به تاسیسات اتمی یکدیگر خودداری خواهند کرد.

اعدام و شکنجه در ترکیه

لندن

● عفوبین الملل با انتشار رسیانیه ای "نقض شکن و سیستم تیک حقوق بشر" را در ترکیه محکوم نمود. بر طبق بیانیه فوق هزاران زندانی سیاسی در این کشور شکنجه شده اند که تنها در سال گذشته تعداد ۲۰۰ نفر از آنها به قتل رسیده اند.

کوبا

● فیدل کاسترو در سخنرانی بمناسبت سی امین سالگرد انقلاب کوبا، یکبار دیگر بر تداوم مبارزه برای اهداف انقلاب تاکید کرد. وی گفت که تنها ما رکیسم میتوانیم کوبا را به پیش هدایت کند و انقلاب مدها سال ادامه خواهد داشت.

سخنرانی در آستردام

در تاریخ ۵ آذر از طرف کمیته خارج از کشور برنا مسخنرانی "پیرامون انقلاب آینده ایران" و آلترنا تیو ما در شهر آستردام هلند برگزار گردید که مورد استقبال جمعی از فعالین جنبش قرار گرفت.



گزارش بانگ جها نی ویدهی کشورهای مقروض

● گزارش بانگ جها نی در سال ۱۹۸۸ حاکی از آن است که در این سال بیش از ۲۳ میلیارد دلار توسط کشورهای مقروض با بت اصل و فرع بدهیها به کشور های پیشرفته سرما یهداری پرداخت شده است. این گزارش همچنین بیانگر آنست که برای پنجمین سال متوالی سیر پول از جانب کشورهای فقیر به سمت کشورهای امپریالیستی بوده است. این امر نشانده آتکار وجود نظام غیر عادلانه و غارتگرانه در روابط کشورهای پیشرفته سرما یهداری و کشورهای عقب مانده بوده و تمامی ادعاها و هیاهوی مربوط به کمک و سرمایه گذاری توسط کشورهای امپریالیستی جهت توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورهای تحت سلطه را افشاء میکند. تنها کره جنوبی و تاپوان در سال ۱۹۸۸ مبلغ ۱۰ میلیارد دلار با بت بدهیهای خود پرداخت کرده اند و در بدهیهای بعدی کشورهای آمریکای لاتین قرار دارند.

از صفحه ۲

خانه از پای بست

پیشرفته غرب قرار داد و رندوا ز قدرت سرکوب و تنظیم آنان برخوردار نیستند - در واقع چاره نا پذیری بحران را روشن ترا ز هرجائی نشان میدهد. ولسی این شکستها و دربی آن کودتا های "با زدا رننده" مانع عقب نشینی مجدد امپریالیسم و سرما یهداران وابسته "آندر جهان سوم" نشد. بیویژه بدان خاطر که غرب برای "التماس مزخ" نفرت مردم نسبت به دیکتاتورها از یک سو و رقابت با آلترنا تیوا نقلایی و واقعاً دمکراتیک از سوی دیگر، ناچار به عقب نشینی شده است. ما این تداوم را در کره جنوبی، فیلیپین، امریکای جنوبی و اخیراً در پاکستان به روشنی می بینیم.

رژیم سلامی که عوامل بسیاری اعم از ناتوانی و عدم تمایل آن و نیز از عدم مصلحت در آسودن شیوه "دمکراتیک" حکومت ستمگرانهاش حکایت میکنند، ما نندهما بر حکومتهای پوئالی که وعده

دمکراسی میدهند سر نوشتی جزنا کامی ندارد. زیرا منشاء این بحران در مان نا پذیرد منشاء تضاد مندلی های راحت و سفره های تهی، آزادیهای بسی محدود و سرغارتگران و بی حقوقی ستمدگان نفت است. این منشاء جز "مالکیت مقدس" استعمارگران و دولتخامی و حافظان نیست. تنها طبقه کارگر که هیچ سودی در این "قدسیت" نمی بیند، با حمایت زحمتکشان و تهیدستان شهروند میتواند برای بری و بهمهراه آن آزادی نشاط آور حقیقی را بر بیسط خاک بکشد.

با پیام کارگر همکاری کنید!

از صفحه ۱۶

اعتصاب غذا در مالو سوئد

کاملاً به چشم می‌آیند. مضمون شعارها چنین است: متحدان ما ز جان زندان‌ها سیاست دفاع کنیم! اعدای ما را متوقف کنید!

آزادی زندان‌ها سیاست درگرو سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی است!

گنا زرتزلوند "یک عکاس سوئدی است که از محل اعتصاب دیدن کرده، او عمیقاً متأسر است. هنگام پاسخ به سوال ما، دستهایش را با خشم تکسان میدهد. می‌گوید:

«و حشتناک است، وقتی آدم این تما ویر را می‌بیند، فقط متنفر میشود. رقم را کشیده از اعداها با ورکردنی نیست. ما فقط این پشت گرمی را داریم که از حقوق مبارزان ایرانی دفاع کنیم. من بویژه ما بیلما این را بگویم که کمونیست هستیم، همبستگی من با شما، همبستگی یک کمونیست است.»

علی‌دا، دانشجوی فلسطینی که همراه رفقا پیش آکسیون بینفع PLO را سازمان داده، همراه بیبا جوانان فلسطینی دیگر با اعتصاب کنندگان دیدار کرده است. وقتی نظرش را می‌پرسیم که تمورش پس از دیدن علائم و آثار رنجانیات چگونه است، می‌گوید: «واقعاً نگران کننده است. اصولاً زادی، از جمله آزادیهای سیاسی حق طبیعی افراد است. ما درست با چنین اندیشه‌ای از سقوط شاه در ایران، خوشحال شدیم. اما وقتی رژیم جدید، گروههای سیاسی و آزادیهای مورد نظر را یکی از بی دیگری سرکوب

از صفحه ۹

به بیبا نه؛ سینما در چنبره...

هنر و چاکران و آستان بوسا نوکیسان باقی بمانند؟ تا ریخته‌ها هنر "ده ساله" خبر روزنگینا مدهست - اندر کاران آن و نقش هر یک از آنان (از رادیو تا تلویزیون - سینما تا انواع و اقسام موسسات تولیدی فیلم گرفته و نیز عوامل برپا می‌فستویا لیا سنی نظیر "فجر") خود حکایت غریب و غم انگیزی است که نیا ز به نوشتن سلسله مقالات متصل و طولانی دارد تا به عنوان فصل جدیدی بر تاریخ نمایش در ایران مشخص شود. که هنر چه به شکل کلاسیک و سنتی خود در طول تاریخ - حربه قدرتمندی در دست حکومتگران و غارت - پیگان به قدرت رسیده بوده است تا جایی که قدره تشخیص و انتخاب گردد - فرق بگذاریم میان هنر پیشرو و متحول و هنر مخرفی که به عنوان "هنر" در اختیارش میگذرانند. گرچه مطمئناً ما معما، حتی به مفهوم ناب خودش، قدرت این تشخیص را دارد که بدانند، حافظها فردوسیها، مولاناها و نیماها و شاملوها و بیضا شها - بر اساس تعریف و ماهیت هنر - هرگز آثرا وسیله - ای برای تحمیق جا معن نگردانندند. او طبعاً میسان "قنبری"ها و دیگران میتوانند تفریق بگذارند و در این رهگذر با بد نظریاتی این چنین قادیبه در کسبی سریع تر از سایرین نسبت به جریانات اجتماعسی و منجمله هنر باشند - تا قدرت دید و گزینش مردم را به خود آگاهی فرهنگی ارتقا دهد - که خوشبختانه نویسند - موجب نوشتن این مقاله شد.

موفق باشید سپنتا

کرد، به همان اندازه فسرده شدیم که از سقوط رژیم پیشین خوشحال.

از جمله بازدید کنندگان، "یان بنسون" بود. بنسون با تائید حرفهای پیش گفته، هموطن دیگرش می‌گوید:

«ما می‌دانیم چه وظیفه‌ای بردوش ما است. در کشوری دور دست، هزاران نفر را کشته اند. از اینرو بسادگی میتوان در یافت که زندگی در آنجا چگونه است. لذا ورود مهاجرین به سوئد امری کاملاً طبیعی است.»

این کارگزار خستمانی از صحبتهایش نتیجه می‌گیرد:

«از این جهت، مخالفت با جریاناتی نظیر "حزب اسکونه" که دشمن خارجیهاست، عادیست. من از چنین عناصری سخت متنفرم. علاوه بر حمایت از اینها، هندگان، سعی ما برای این خواهد بود که افکار عمومی در سوئد را به دامن کشتار در ایران آگساز کنیم.»

با خود اعتقاد بیون نیز و اردگفتگو شدیم. مهربان از جمله آنهاست. دیدن این پناهنده در اینگونه فعالیتها عجیب و جدید نیست. خود او در دوران شاه زندانی سیاسی بود. مهربان در تدریس زندانیهای جمهوری اسلامی را نیز چشیده و بیبا به گفته خودش، در خانوادها و نزدیکان و دوستانش، او در این واقعیت تشها شنبوده است. پس از فارغ شدن از صحبت با یک مشاهده کننده، سیاهبوست، به سوال ما پاسخ میدهد:

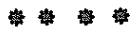
«تلاشهای بچه‌ها موفق و دلگرم کننده بود. بیش از ۳۰ نفر در این اعتصاب سه روزه بهمان سبب روز جهانی اعلامیه حقوق بشر دست به اعتصاب غذا زدند. ما هزاران اعلامیه و جزوه نیز پخش کردیم. تصدیق قابل ملاحظه‌ای از سوئدیها در پناهنده‌ها اعتراضی به منظور ارسال آنها به سفارت ایران، امضاء گذاشتند. ما از جمع مختلف حقوقی، سیاسی و صنفی دعوت کردیم که استقبال شایسته‌ای نیز بعمل آمد. نمایندگان حزب ما رکیست - لنینیست (انقلابی) و نیز احزاب چپ دیگر نظیر VPK، LPK از جمله بازدید کنندگان بودند. مهمترین روزنامه‌ها ستان، در نخستین روز، اقدام به درج خبر اعتصاب کردند. احزاب و جرایم دیگر و نیز نمایندگان را دیوبه با زدید از محل برداختند. ما خبرهای سایر نقاط سوئد را هم به اطلاع افرادی رسانیم.»

لطفاً در مورد خود کمیته صحبت کنید.

مهربان در جواب ما می‌گوید:

«این کمیته بوسیله تعدادی از ایرانیان هلا تشکیل شده و بدون مرز بندی و با تائید برابری بین آزادای زندان‌ها سیاست درگرو سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. همچنین کسانیکه با دور رژیم سلطنتی و اسلامی در سرکوب مردم هکارتی داشتند، از عضویت در "کمیته حمایت از زندان‌ها" سیاست محروم هستند. در ترکیب فعالین و همکاران کمیته افرادی هم ضرورتاً در ندهد که اکنون تعدادی از آنها را در درون و بیرون چادر اعتصاب مشاهده می‌کنید. ما این اصول و واقعیتها را در مصاحبه با مطبوعات و رادیو که از اعتصاب سه روزه ما دیدن

کرده اند نیز بیبا ن کردیم. برای این نیز تائید کردیم که این اقدام کمیته و اساساً تنها برنام کمیته دفاع از زندان‌ها نیست. نحوه کار کمیته نیز با حقوق برابر است. و به شیوه شورائی است



هوادران سازمان "اسکونه" در جنوب سوئد، بصورت یک گروه توضیحی - تبلیغی به مراکز کارگری، حقوقی و دفاعی تدریسها و تائیدها را در طریق گفتگو و تسلیم جزوات و بیبا نیهها، آنان را در جریان اعدای اخیر زندانهای رژیم چنا بیکار جمهوری اسلامی قرار دادند. رفقای ما منجمله از مسئولین صلیب سرخ، نمایندگان عقوبین المللی، اتحادیه کارگری و حزب کمونیست ما رکیست - لنینیست (انقلابی)، حزب چپ کمونیست VPK و... تقاضای کمک و همبستگی با مبارزان در بند و مردم ایران نمودند. از جمله اقدامات متوالی این رفقا، برپا می‌آکسیون در میدان مرکزی شهر بود. در روز ۳ دسامبر بود که طی آن هزاران اعلامیه همراه بیبا تما ویر مستند رنجانیات اخیر گورهای جمعی را در اختیار رفقای برین قرار دادند. این اقدامات در سایر شهرها، از جمله در مالو - مرکز استان - صورت گرفته و ادامه خواهد یافت.

تظاهرات علیه کشتار زندان‌ها

در اعتراض به جنايات رژیم جمهوری اسلامی در زندانها و بدعت فعالین هسته اقلیت، هوادران سفخا (اقلیت)، هوادران کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن، جمعی از ایرانیان مبارز، ک.ا.ا. (راهکارگر) - واحد کوشنبرگ، تظاهرات ایستاده‌ای در روز جمعه ۲ دسامبر در مقابل دفتر صلیب سرخ کوشنبرگ برگزار گردید.

شرکت کنندگان در این تظاهرات با حمل اسناد و تما ویر مربوط به جنايات رژیم در زندانها ی سیاسی کشور، ابتدا در خارج از دفتر صلیب سرخ اجتماع نموده و سپس بدون ساختمان صلیب سرخ رفته و خواهان ملاقات با مقامات آن گردیدند.

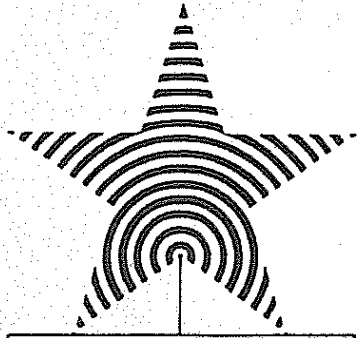
در جلسه مشترکی نیز که در پی آن با یکی از نمایندگان صلیب سرخ تشکیل گردید، ابتدا آمار و اسناد جنايات رژیم به ایشان ارائه گردید و سپس خواستههای تظاهرات به اطلاع صلیب سرخ رسیدند.

خواستهای شرکت کنندگان به قرار زیر بود:

- ۱ - اعزام هیئتی از طرف صلیب سرخ جهانسی و عقوبین المللی برای بازدید از زندانهای ایران و بمنتظر متوقف ساختن شکنجه و اعدام زندان‌ها سیاسی.

- ۲ - محکومیت جمهوری اسلامی از طرف دولت سوئد.
- ۳ - لغو احکام اخراج متقاضیان پناهنده‌های ایرانی و پذیرش پناهنده‌های آنان.
- ۴ - انعکاس واقعیات جنايات جمهوری اسلامی ایران در رسانه‌های جمعی سوئد.

اخبار مربوط به این حرکت از رادیو محلی کوشنبرگ پخش شده و در روزنامه صبح کوشنبرگ GP و همچنین در نشریه "پرولتار" ارگان حزب کمونیست (KPMI) درج گردیدند.



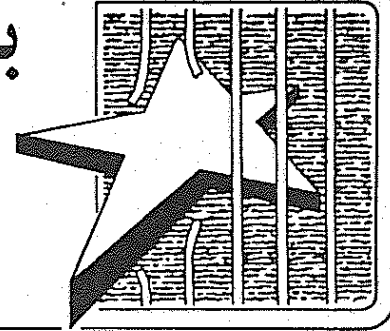
صدای کارگر

راپیدی سازمان کارگران انقلابی ایران داده کارگرا

- ★ برنا مئ صدای کارگر هر شب ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابرا بریا ۴ مگا هرتز پخش می گردد .
- ★ این برنا مه ساعت ۱/۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می شود .
- ★ جمعه ها برنا مئ ویژه پخش میگردد .
- ★ برنا مئ صدای کارگر ویژه کردستان هر روز از ساعت ۴ بعد از ظهر به زبانهای کردی و فارسی پخش می گردد .

برای آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!

در صفحات ۶ و ۷



اعتصاب غذا در مالمو

روز شنبه ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر بود. به این مناسبت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، یک اعتصاب غذای سه روزه اعلام کرد که از روز شنبه تا یازدهم دسامبر در میدان مرکزی شهر مالمو برپا شد. این اقدام با شرکت ۳۰ نفر اعتصابی و همکاری ۷۰ نفر در مجموع انجام شد. طی آن تعداد زیادی اوراق افشاگرانه همراه با طرحهای هنرمندانه و نیز جزوات مستند از عکسهای تکان دهنده و ارقام کشتارهای اخیر توسط اعتصابیون تهیه و به بازدیدکنندگان داده شد. صدها امضاء اعتراضی نیز بمنظور ارسال به سفارت جمهوری اسلامی جمع آوری شد و بسیاری از تئوریهای شرقی و غربی و مجامع صنفی، حقوقی و سیاسی از محل اعتصاب بازدید کردند.

گزارش حاضر توسط خبرنگار ما و در همین رابطه تهیه شده است.

سوئد

قطعنامه مشترک

به استکبار رفقای واحد گوتنبرگ سازمان ما، مجموعه ای از احزاب و سازمانهای سوئدی و ملیتهای دیگر با تهیه یک قطعنامه مشترک ضمن اعتراض به اعدای دسته جمعی زندانیان سیاسی از مراجع بین المللی خواستار اقدامات جدی در این مورد شدند.

قطعنامه مشترک

بسم الله الرحمن الرحیم حق بشر سازمان ملل و صلب سر جهانی

نظریه اینکه:
 نام جمعی اسلام در ایامی اخیر ضرب و جرح شکنجه و اعدامهای دسته جمعی زندانیان سیاسی را شدت بخشید و صدها تن را بدون محاکمه اعدام نمود است.

نظریه اینکه:
 جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از پخش اخبار مربوط به احوال زندانیان اشکالات ساختاریه زندانیان سیاسی را با آنان صورت نمود است.

لذا ما از شما می خواهیم تا کمیسیون را با هدف بازید از زندانیان سیاسی ایران و توقف ضرب و جرح شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در تمامی زندانها رکنش و به ایران اصرار دارید.

اسامی احزاب سازمانها و انجمنها:
 ۱- انجمن کندی
 ۲- قطعنامه مشترک

- ۱- حزب کمونیست مارکسیست - لنینیستها (انقلابی) - KPMLA - بخش گوتنبرگ.
- ۲- حزب کمونیستها VPK - گوتنبرگ.
- ۳- جوانان کمونیست KU - گوتنبرگ.
- ۴- جوانان کمونیست سوئد SKU - گوتنبرگ.
- ۵- جوانان سوسیال دموکرات سوئد SSU - گوتنبرگ.
- ۶- اتحادیه بین المللی زنان برای آزادی و صلح WILPF - گوتنبرگ.
- ۷- انجمن سیاسی پاکس PAX.
- ۸- انجمن بشر و صلح و برتریا SVALORNA.
- ۹- انجمن فرهنگی ترکیه و سوئد.
- ۱۰- کمیته فلسطین دموکراتیک.
- ۱۱- احزاب کمونیست نیلوی.
- ۱۲- مؤاد ایران جبهه خلق برای آزادی فلسطین PFLP - گوتنبرگ.
- ۱۳- جوانان حزب کمونیست نیلوی.
- ۱۴- سازمان کارگران انقلابی ترکیه DEVRIMCI IGCI - گوتنبرگ.
- ۱۵- سازمان کارگران انقلابی ایران ارا - کارگر - واحد گوتنبرگ.

نوامبر ۱۹۸۸

تبریک سال نو

سال نو میلادی را به هم میهنان مسیحی خود تبریک گفته و پیوند میازاتی خود را خصوصاً در مقطعی که حلول سال نو مصادف با دور جدید سرکوب حکومت اسلامی شده است تحکیم میکنیم. ما امیدواریم دست در دست هم علیه سرکوب وحشیانه و کشتار زندانیان سیاسی مبارزه کرده و طومار رنگین حیات جمهوری اسلامی را در هم پیچیم. تا سال نو را بمعنی واقعی آن در آزادی جشن بگیریم.



ALIZADI B.P. 195
 75564 PARIS - CEDEX 12
 FRANCE

POSTFACH 650226
 1 - BERLIN 65
 W - GERMANY

چا در محل اعتصاب غذا تا ثریا نگیز است. طرحهای گویای یک پناهنده نقاش، نگاره بینندگان را خیره میکند: زندانیانی که شعار میدهند، به بند کشیده شده اند، نیزه ها شکی که به سمت بدنشان حرکت میسند، گور و خشن هستند. بر روی چادر، تصاویر از گورهای سطحی زندانیان سیاسی به چشم میخورد و در جوار آنها، طرحها و شعارهایی به دوزبان دیده میشود. مشعلهای روشن در هوای مه آلود میسند.